

مهاجرانی معاون رفسنجانی:

سوریه از طریق مذاکره با آمریکا توانست از آزادی گروگان‌های آمریکایی به نفع خود استفاده کند. رفتار حافظ اسد باید سرمشق قرار گیرد.

علیه اظهارات معاون رفسنجانی، تظاهرات و اعتراضات متعددی توسط خط امامی‌های دو آتش برپا شد

دادستان انقلاب اسلامی تهران در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد:

برودی ۱۰ نفر به جرم جاسوسی برای آمریکا اعدام خواهند شد

محاکمه این افراد در دادگاه‌های غیر علنی و بدون برخورداری متهمان از حق دفاع از خود صورت گرفته است

سید ابراهیم رئیسی، دادستان انقلاب اسلامی تهران، اعدام قریب ۱۰ نفر را به اتهام جاسوسی برای آمریکا اعلام داشت. بنا به اظهارات نامبرده این افراد به "تجاهات مختلفی منجمله جاسوسی به نفع سازمان اطلاعاتی آمریکا (سیا)، جمع آوری اطلاعات و اخبار پیرامون وضعیت نظامی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور و ارسال آنها به سازمان سیا، دریافت پیام بوسیله دستگاه‌هایی که توسط آمریکایی‌ها در اختیار این افراد قرار داده شده بوده و همچنین دریافت

پیام‌های دستوری، ارسال نامه‌های کتبی به صورت نامرئی در ارتباط با اطلاعات و اخبار نظامی، مسافرت‌های مختلف به خارج از کشور جهت ارائه گزارش پیرامون وضعیت کشور" دستگیر شده بوده‌اند. چنان که رئیسی خبر می‌دهد برای این افراد حکم اعدام صادر شده و ملی چند روز آینده حکم به اجرا در خواهد آمد. رئیسی به بهانه میهمی از ذکر اسامی و تعداد دقیق آن‌ها خودداری کرد و گفته است: "اسامی آنها را چون هنوز اقدام نشده اعلام نمی‌کنم و تعداد آنها حدود ۱۰ تن می‌باشد که تابعیت همه آن‌ها ایرانی است".

قابل ذکر است که این خبر در یک مصاحبه مطبوعاتی که در آن عملکرد دادسرای انقلاب اسلامی در هرصه‌های مختلف تشریح می‌شد اعلام گردید. در بخش‌های دیگر این مصاحبه، رئیسی اقدامات دادسرای انقلاب اسلامی را در مبارزه با "ضدانقلاب" بقیه در صحنه ۲

تشکر کرد، اما تاکید نمود ایالات متحده تا هنگامی که هنوز گروگان‌های آمریکایی در لبنان وجود دارند، حاضر به اقدام متقابلی نیست.

از سوی دیگر، روزنامه انگلیسی زبان تهران تایمز که بلندگوی وزارت خارجه رژیم جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، پس از آزادی دو گروگان آمریکایی نوشت اینک وظیفه کشورهای غربی است که برای آزادی اسرای لبنانی، به اسرائیل فشار وارد آورند. این روزنامه افزود ایران "میانجی‌گری خود در بحران گروگان‌ها را بدون پاسخ شایسته از سوی غرب ادامه نخواهد داد".

بقیه در صحنه ۳

در روز ۲۲ آوریل رابرت پل‌هیل و در روز ۳۰ آوریل، فرانک‌رید از اسارت گروه‌های شیعه لبنانی‌رهای یافتند. این دو آمریکایی، به ترتیب از سال ۱۹۸۷ و ۱۹۸۶ گروگان دستجات وابسته به جمهوری اسلامی در بیروت بودند. بدین ترتیب، شمار گروگان‌های غربی در لبنان به ۱۵ نفر کاهش یافت. از این تعداد، ۲ تن آمریکایی، ۲ نفر آلمانی، ۲ تن سوئیسی، سه گروگان بریتانیایی، یک نفر ایرلندی و یک تن ایتالیایی‌اند.

جرج بوش رئیس جمهور آمریکا در حالیکه پل‌هیل در کنار او ایستاده بود، شامگاه دوشنبه ۳۰ آوریل از سوریه و ایران به خاطر اقدام جهت آزادی رید بقیه در صحنه ۲

هویت دوتن از عاملین ترور کاظم رجوی اعلام شد

هنوز مشخص نیست که آیا تروریست‌های جمهوری اسلامی موفق به گریز از سوئیس شده‌اند یا نه

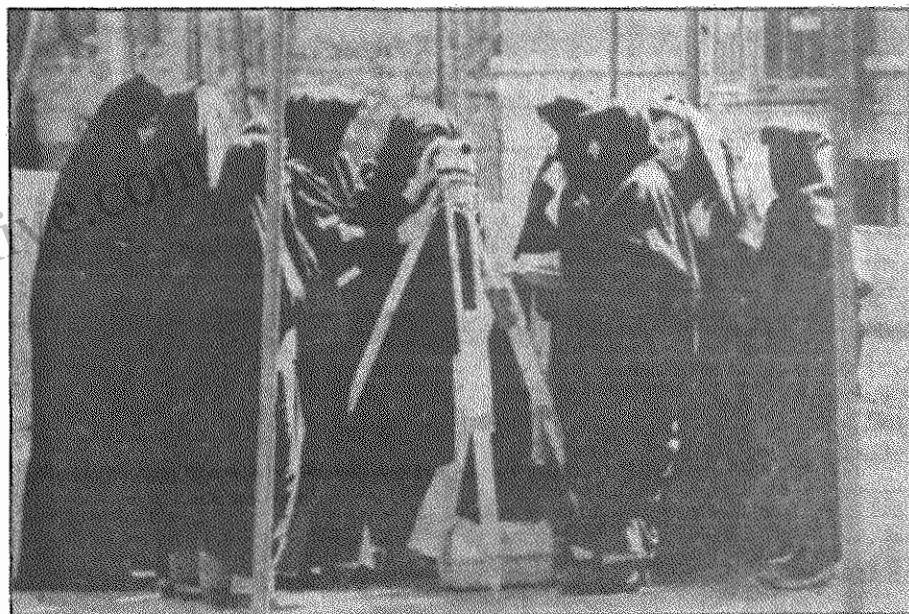
ترور مخالفان سیاسی اثر نتیجه‌گیری‌های درونی قلمداد می‌کند، این بار هم مژورانه ترور کاظم رجوی را نتیجه منازعات درونی سازمان مجاهدین خلق عنوان کرد. روزنامه‌های رژیم در این زمینه از اعلامیه‌های معمولی که در همین چارچوب مسئولیت ترور توسط گروه برعهده گرفته شده است، نام برده‌اند.

در هفته گذشته علی‌اکبر ولایتی وزیر خارجه رژیم حین مصاحبه‌ای که با خبرنگاران در نیویورک در مقر سازمان ملل ترتیب داده شده بود مورد حمله سه ایرانی قرار گرفت. آنها با فریادهای خود به افشای ولایتی و رژیمش بخاطر جنایات بی‌شمار و تروریسم در درون و بیرون مرزهای کشور پرداختند.

* در ژنو اعلام شد که جسد دکتر کاظم رجوی برای دفن به هراق حمل شده است.

به دنبال ترور دکتر کاظم رجوی در سوئیس، پلیس ژنو اعلام کرد که موفق به شناسایی هویت دوتن از قاتلان وی شده است. پلیس سوئیس هکس و مشخصات این دو تن را منتشر کرد. این دو تن یداله صدقی، ۳۳ ساله و سید محمد رضوانی معرفی شده‌اند. در روزنامه‌های سوئیس نوشته شده که احتمالاً ۴ یا ۵ نفر مستقیماً در این ترور شرکت داشته‌اند. اینکه آیا تروریست‌های جمهوری اسلامی از سوئیس خارج شده‌اند، یا نه هنوز مشخص نیست. قبلاً اعلام شده بود که تروریست‌ها با پاسپورت جمهوری اسلامی چند روز قبل از جنایت وارد سوئیس شده و در طبقه هفتم هتل در ژنو اقامت گزیده‌اند. ماشین گلف آبی رنگی که سازهایی پس از ترور کاظم رجوی در نزدیکی فرودگاه پیدا شد توسط همین دو نفری که نام آنها اعلام شده است کرایه شده بود.

جمهوری اسلامی به روال همیشگی که پس از



هکسی که در بالا مشاهده می‌کنید، نمونه دیگری از رنج آفرینی و آزاده‌ی رژیم ولایت فقیه است. در هکس تعدادی از دانشجویان دختر در حال کار با دوربین نقشه برداری (نیوو) با چادر هستند. جمهوری اسلامی مثل دیو وارونه کار رفتار می‌کند. در شرایطی که همه دنیا در جهت ایجاد وسائل راحتی و آسایش انسان در حال تغییر و تحول است، این حکومت فقط مشکلات مردم را افزایش می‌دهد و بر ناراحتی آنان می‌افزاید. تاسف انگیز است که در دهه پایانی قرن بیستم، میهن عزیز و باستانی ما در چنگال چه هیولای نفرت انگیزی گرفتار شده و در این میان چه هذابی را ناچار است تحمل کند. باشد که ایران آزاد شود و همه آثار و نشانه‌های این رژیم همدستی از مملکت عزیز ماز دوده گردد.

پیرامون برخورد "طرفداران سلطنت" با سخنرانی هفتم آوریل احمد شاملو

دموکراسی این آقایان!

نگارنده این سطور نیز می‌کوشد تا آقایان را تنها با چوب گذشته‌ها گز نکند و در مورد اندیشه‌ها، برداشتها و خواسته‌های امروزشان با تامل بیاندیشد.

تامل! اما نه تنها در واژه‌ها، نوشته‌ها و گفته‌ها، که در بازتاب این اندیشه‌ها در رفتار اجتماعی‌شان. موضعی که آقایان طرفدار "سلطنت" و یا "مشروطه" در برابر سخنرانی هفتم آوریل احمد شاملو گرفته‌اند، از این نظر قابل تامل بسیار است.

تاکید این نکته ضروری است

داشته است. این مقالات با مضمون دفاع از "تاریخ پادشاهی ایران" و دفاع از "میراث‌های ملی" به قلم کسانی است که در زمره هواداران مشروطیت و یا سلطنت به حساب می‌آیند.

از آنها که محافل وابسته به سلطنت و هواداران پادشاهی مشروطه اخیراً مباحثی را در نشریاتشان و از جمله در کیهان لندن پیرامون اعتقاد به دموکراسی مطرح کرده‌اند، بررسی مقالات این آقایان در برخورد با نظریات غیرمتعارف احمد شاملو حائز اهمیت ویژه‌ای است.

به دنبال سخنرانی شاعر گرانقدر احمد شاملو، در دانشگاه برکلی کالیفرنیا، آمریکا در باره مقایسه شهرنو و شهر کهن فارسی، و در پی تحلیلی که او از شخصیت‌های اساطیری شاهنامه ارائه داده است، در سه هفته متوالی در کیهان چاپ لندن مقالات تندی علیه شاملو به چاپ رسیده که توجه محافل فرهنگی و هنری ایرانیان را به‌طور ویژه‌ای به‌خود جلب کرده است. کوششی که در مقالات یادشده در جهت هتک حرمت از شاملو به‌عمل آمده، در این محافل واکنش‌هایی از تاسف تا خشم و از جابجایی

جنایت تازه رژیم در بلوچستان

در محیط ایجاد رعب و وحشت می‌کرده‌اند.

اهدام این افراد، در پی درگیری‌های مسلحانه اواخر فروردین ماه در منطقه صورت می‌گیرد که طی آن نیروهای سپاه، کمیت و ژاندارمری با نیروهای مسلح محلی مخالف درگیر شدند و در این جریان ده‌ها نفر به قتل رسیدند. درگیری مذکور بزرگترین رودرویی مسلحانه حکومت با مخالفان مسلح در منطقه در ماه‌های اخیر بود.

به دستور دادگاه انقلاب زاهدان، ۴ نفر دیگر از مخالفان حکومت در منطقه که وابسته به ایل ناروئی هستند، در زاهدان و در ملاوهم اعدام شدند. در اتهاماتی که دادستانی به این افراد نسبت داده، گفته شده است که آن‌ها علیه امنیت کشور اقدام کرده و در درگیری‌های اخیر با نیروهای سپاه و کمیت‌ها شرکت داشته و در ارتباط با "افشای مسلح" فعالیت می‌کرده‌اند. علاوه بر آن ادعا شده است که این افراد با قاچاقچیان مرتبط بوده و

که هدف از نوشته حاضر به‌هیچ‌وجه تائید همه گفته‌ها و چگونگی برخورد احمد شاملو با شاهنامه فردوسی نیست. نخست بدلیل آنکه متن کامل این سخنرانی درست نیست؛ و دوم بسبب آنکه بررسی نظرات شاملو در این زمینه خودمبمشی جداگانه و قابل تعمق است.

نحوه برخورد با شاملو که نظریاتی طرح کرده است، معیاری بدست می‌دهد برای قضاوت در باره دموکرات منشی این آقایان.

موضوع چیست؟ مرکز پژوهش و تحلیل مسائل بقیه در صحنه ۵

بمناسبت اول ماه مه

در صحنه ۲

حزب دموکراتیک مردم ایران

حزب دموکرات کردستان ایران

سازمان فدائیان خلق ایران

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)



عکس از زهرا بهرامپور عکس بر گزیده سومین مسابقه عکس آذرماه ۶۷ به موضوع شادی

دو فیلم کوتاه ایرانی،

پلاک طلا و برنز "ادئون" گرفتند

فیلم کوتاه "با دوربین بدون اندیشه" کار محمد قاسمی و فیلم کوتاه "نسوی دیوار" توسط گروهی از جوانان هلاقمند به سینما در نجف آباد و گرگان تهیه شده، در جشنواره فیلم های کوتاه در دیوار "شد."

میزان معاملات بورس اوراق بهادار

در فروردین ۶۹

بررسی آمار معاملات بورس اوراق بهادار تهران مویده آن است که طی فروردین ماه ۶۹، ۲۵ شرکت در معامله بورس شرکت کرده و سهام خود را عرضه کرده اند. از میزان سهام عرضه شده آن ها، بیش از ۳۴ هزار سهم به ارزش بالغ بر ۹۹ میلیون ریال معامله شده بود. علیرغم افزایش میزان ارزش معاملات در بازار بورس بهادار تهران در سال جاری، میزان معاملات کماکان در مقایسه با حجم نقدینگی بخش خصوصی بسیار نازل است. با ملاک قرار دادن معاملات فروردین، کل معاملات بورس تهران در سال جاری کمتر از ۸۰۰ میلیون تومان خواهد بود. این میزان در مقایسه با ۱۹۰۰ میلیارد تومان نقدینگی بخش خصوصی مبلقی فوق العاده ناچیز بوده و نشانه شکست سیاست دولت رفسنجانی در جلب سرمایه های بزرگ تجاری به فعالیت در عرصه های تولیدی است.

ایران آماده دور جدید

مذاکرات صلح با عراق است

ولایتی در نیویورک اعلام کرده که هر جمهوری اسلامی آماده است که هر زمان که دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کند با طرف عراقی وارد مذاکرات صلح شود. ولایتی در گفتگو با رویتر، وزیر خارجه عراق، طارق هزیز را متهم کرد که در راه انجام مذاکرات برای اجرای قطعنامه ۵۹۸، مشکلات ایجاد می کند. او همچنین گفت که او انتظار داشته است که طارق هزیز به نیویورک مسافرت کند، اما وزیر خارجه عراق این مسافرت را فک کرده است.

در راه برچیدن بساط استبداد حاکم و استقرار دموکراسی، متحدانه مبارزه کنیم!

در صدمین سالگرد روز جهانی کارگر،

۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۹ (اول ماه مه ۱۹۹۰)، صدمین سالگرد روز جهانی کارگر است. جشن وحدت و همبستگی امسال، یک قرن مبارزه کارگران و استثمار شونده های کشورهای مختلف جهان را در راه حقوق بنیادی خود به پایان می رساند و سده ای دیگر از این پیکار را آغاز می کند.

سالگرد اول ماه مه، علاوه بر تجدید خاطره کارگران شیکانو که در مبارزه برای روز کار ۸ ساعته جان باختند، بعنوان سمبل همبستگی بین المللی، بیانگر تمایلات قلبی کارگران و استثمار شونده های اتحاد در مبارزه بخاطر اهداف مشترکشان، مانند حقوق و آزادی های سندیگائی و سیاسی، بهبود سطح زندگی و شرایط کار، دموکراسی و عدالت اجتماعی است. در نتیجه ای این مبارزات و مقابله مداوم با قدرتهای حاکم اقتصادی و سیاسی است که بخشهای مهمی از این اهداف در بسیاری از کشورهای تحقق یافته اند و در قوانین ملل مختلف و متواله نامه ها و قواعد بین المللی تثبیت شده اند. همچنین در تداوم چنین مبارزاتی است که امروزه، جهات دیگری به مبارزات نیروی کار افزوده شده است که خواست مشارکت روزمره در اداره ای امور تولید و جامعه و تمایل فزاینده به نظامی خودگردان در سطوح مختلف جامعه، در مرکز آنها قرار دارد.

جشن امسال، در همین حال با حرکتی وسیع در سطح کل جهان و در جهت نوسازی جشن کار در سطوح مختلف سندیگائی و سیاسی مقارن است.

در دوره ای که جهان دستخوش تحولات عظیمی است، کشور ما ایران در چنگ تاریک اندیش ترین رژیم موجود در جهان اسیر است. رژیم جمهوری اسلامی، کارگران و مردم ایران را از تمام حقوق مدنی و آزادیهای سیاسی، از آزادی در انتخاب پوشش گرفته تا آزادی عقیده، بیان، مطبوعات، تشکل و حزب و آزادی اعتراض و اعتصاب محروم کرده و با بکارگیری اشکال مختلف اعمال فشار و سرکوب می خواهد زندگی مادی و معنوی مردم را در قالب های تنگ و تاریک و خفه کننده ی صدها سال قبل محبوس کند.

ترانامه ی رژیم اسلامی در سراسر دوران حیاتش بیانگر یک فاجعه ی کامل برای مردم ایران است:

تا آنجا که به حقوق سندیگائی و سیاسی کارگران مربوط می شود، سرگذشت قانون کار، آئینه ی تمام نمای سیاستهای ضدکارگری رژیم اسلامی است. در طول ۱۱ سال که از حیات رژیم می گذرد، سه قانون کار از طرف رژیم ارائه شده است. دو قانون اول که بر اساس دیدگاه اسلامی کارگران را بر دگان مسلوب الاراده کارفرما می شمرد و روابط کارگر و کارفرما را مطابق باب "اجاره" تنظیم می کرد، زیر فشار اعتراضات کارگران پس گرفته شد. طرح سوم نیز که پس از سه سال بحث و کشمکش میان مجلس اسلامی و شورای نگهبان، در مهر ماه سال گذشته به تصویب رسیده بود، بار دیگر با مخالفت شورای نگهبان مواجه شد و مجلس از سرنجاری آن را به "شورای تشخیص مصلحت نظام" فرستاد. این قانون نیز البته ضمن حذف برخی از آرایه های ترین مواد قوانین قبلی، همچنان قانونی ارتجاعی و ضددموکراتیک است که هیچ یک از حقوق بنیادی کارگران مانند حق اعتصاب و حق تشکل مستقل و افزایش دستمزد متناسب با تورم را بر سمیت نمی شناسد. سرکوب و نابودی هر گونه تجمع و تشکل صنفی و مستقل کارگری، دستگیری و شکنجه و حبس کارگران مبارز و فعالین سندیگائی، اخراج فردی و دستجمعی هزاران تن از کارگران کارخانجات مختلف رساندن شمار بیکاران به رقمی نزدیک به ۵ میلیون، استقرار و گسترش انجمن ها و ارگان های دست نشاندۀ ضدکارگری در کارخانجات از قبیل انجمن های اسلامی و دیگر اقدامات ضدکارگری گوشه هایی دیگر از فشارها و تعدیات رژیم اسلامی بر توده کارگران ایران است.

راه خروج از مجموعه ی تناقضات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که رژیم اسلامی برای مردم ایران به ارمان آورده است، برچیدن بساط استبداد حاکم و استقرار دموکراسی است تا مردم بتوانند حاکم بر سرنوشت خود باشند و آزادانه درباره ی مسائلشان تصمیم بگیرند. استقرار آزادی و دموکراسی، نه فقط راه را بر احقاق حقوق اقشار مختلف مردم می گشاید، بلکه پیش شرط حل تدریجی مسائل اقتصادی نیز بشمار می رود.

رژیم اسلامی بنا به دیدگاه خود، رژیمی ایدئولوژیک و استبدادی و تمام خواه است که آزادی و دموکراسی را دشمن اصلی خود می داند، قادر به رقابت آزاد با هیچ نیروی سیاسی نیست و لذا به چماق و سرکوب تکیه می کند.

سرکوب کارگران، سرکوب خلق ها و بویژه سرکوب جنبش ملی - دموکراتیک کردستان و مبارزه خلق کرد در راه خواست دموکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان، گوشه ای از کارنامه رژیم است.

تمام جناح های رژیم اسلامی، حتی کسانی که از بی در و پیکرترین اشکال فعالیت اقتصادی دفاع می کنند، هنگامی که به حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی شهروندان می رسند، مهارهای ایدئولوژیک اسلامی را هلم می کنند و در موضع مخالفت و خصومت با این حقوق و آزادی ها قرار می گیرند. بهمین دلیل نیز هست که نمی توانند روی هیچ برنامه ی واحد اقتصادی و اجتماعی هماهنگی به توافق برسند و به خنثی کردن طرح های همدیگر اکتفا می کنند. رژیم اسلامی حتی افراد و جریاناتی مانند منتظری و نصرت آزادی را که انتقادات و اعتراضات شان را با تأیید اساس رژیم، قانون اساسی آن و چشم بستن بر بسیاری از جنایات آن طرح می کنند، تحمل نمی کند. بنابراین، نه مجاشات با رژیم و در خواست ساده اندیشانه ی آزادی از آن، نه شعار سر تا پا متناقض "جمهوری

دموکراتیک اسلامی" و نه فکر احیای سلطنت موروثی که فلسفه ی وجودیش با حاکمیت و مرجعیت مردم در تناقض است، نمی تواند به استقرار آزادی و دموکراسی در ایران بیانجامد. راه تاهمین حاکمیت مردم ایران و تاهمین آزادی و دموکراسی عبارتست از سرنگونی رژیم اسلامی و استقرار یک جمهوری مبتنی بر دموکراسی و حقوق بشر.

در صدمین سالگرد اول ماه مه و سالی که در پیش روداریم، در چارچوب مشی سرنگونی رژیم و استقرار دموکراسی، از شعارهای عام سیاسی مانند آزادی عقیده، بیان، مطبوعات، سندیکاها و احزاب و آزادی انتخابات و از خواست های کارگری زیر دفاع کنیم و برای بسیج بیشترین نیرو و خول این مشی و شعارها و خواستهایکو شیم.

- تهیه قانون کار مترقی با مشارکت کارگران
- افزایش حداقل دستمزد متناسب با نرخ تورم
- طرح طبقه بندی مشاغل
- تاهمین اجتماعی شامل بیمه در مانی، سوانح، از کار افتادگی و غیره.
- مبارزه علیه اخراج کارگران و دفاع از بازگشت کارگران اخراجی
- ایجاد اشتغال و بیمه بیکاری برای کارگران بیکار.
- انحلال انجمن های اسلامی
- حق اعتصاب
- حق ایجاد تشکل های مستقل کارگران
- تاهمین حق کارگران برای برگزاری آزاد و مستقل ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر.

گسترده باد همکاری و همگامی نیروهای که برای سرنگونی رژیم اسلامی و استقرار جمهوری مبارزه می کنند!

حزب دموکرات کردستان ایران حزب دموکراتیک مردم ایران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سازمان فدائیان خلق ایران اول اردیبهشت ۱۳۶۹

کار کرده ساله

هیئت های

واگذاری زمین

هرندی چندی پیش اعلام کرد که این هیئت، سیاست واگذاری قطعات بزرگ زمین به بخش خصوصی را که از طرف وزارت خانه مربوطه دنبال می شد، پذیرفته است.

برودی ۱۰ نفر به جرم جاسوسی

بقیه از صفحه اول "سارقین مسلح"، "اخلالگران اقتصادی و هارتگران بیت المال"، "قاچاق مواد مخدر" و "منکرات" بر سر مرده است.

در مصاحبه تنها به تشریح عملکرد دادسرای انقلاب اسلامی در موارد فوق الذکر اکتفا نشده و کوشش شده است با ذکر تدارکات و انتظارات این دادسرا برای اقدام در این موارد، زمینه ای برای سیاست های افراطی و دستاویزی برای پیشبرد جنگ جناحی نیز فراهم آورده شود. رئیس یی با گفتن این که "وضع بدحجابی در تهران بسیار بد است و احساس میشود که از آن به عنوان یک حربه سیاسی استفاده می شود و دشمن امروز از آن جهت مقابله در جبهه ارزشی استفاده می کند و از گزارشاتی که از جاسوسان خواسته می شده است گزارش لحظه به لحظه وضعیت اجتماعی کشور بوده است..." نتیجه می گیرد: "نهی از منکر در نظام که نظام امر به معروف و نهی از منکر است باید انجام شود و با مساله بدحجابی برخورد شود. نیروهای انتظامی موظفند با توجه به دستوراتی که از سوی دادستان انقلاب صادر شده است و دست آنها باز است باید بدحجابی به شکل قاطع برخورد کنند..."

کوشش برای پیشبرد جنگ جناحی، در برخورد به مورد متهمین به جاسوسی برای آمریکا به صورت بارزتری متجلی می شود. دادستان انقلاب اسلامی تهران "مساله جاسوسان آمریکائی" را نشان دهنده این می داند که آمریکا دست از تو طلمه و دسیسه علیه نظام "بر نداشته است و ضرورت قاطعیت عمل در مقابل آن باقی است."

به این ترتیب جان ۱۰ انسان دیگر قطع نظر از هر اتهامی که به آن ها وارد شده است، و سیله ای می شود تا جناح افراطی با توسل به آن معارضه با سیاست گرانش به قرب جناح مقابل که این روزها خاصه در برخورد منعطف تر در قبال مسئله آزادی گروگان های آمریکائی در لبنان بروز یافته است، برخیزد.

با صدور حکم اعدام برای این افراد را اساسا به دلیل مخالفت مان با هر نوع حکم اعدام و هم چنین به دلیل آن که متهمان محروم از هر گونه حق دفاع از خود در دادگاه های هلنی بوده اند قویا محکوم می کنیم.

فاضل هرندی در دیدار با هاشمی رفسنجانی آمار فعالیت هیات را در طول ده سال گذشته اعلام کرد. او گفت که در طی این مدت حدود ۵۰۰ هزار هکتار موات احیا و به ۹۰ هزار خانوار واگذار شده است. او همچنین گفته است که در این فاصله حدود یک میلیون و سیصد هزار هکتار از اراضی واگذار شده کشت موقت تحت نظارت و اداره ۲۴۰ هزار خانواده روستاست.

انتصاب فرمانده جدید

نیروی هوایی سپاه

خانمهای طی حکمی فرمانده نیروی هوایی سپاه را تغییر داد و شخصی بنام حسین دهقان را به این سمت گمارد. در این حکم خطاب به این شخص آمده است که او باید:

"با ایجاد انتظامات شایسته موجبات شکوفائی آن نیرو را در چارچوب ماموریت های آن فراهم ساخته و آن را برای دفاع از میهن اسلامی مجهز نماید."

همانطور که حکم خانمهای نشان می دهد، تلاش این است که در کنار و به موازات نیروی هوایی ارتش، نیروی هوایی سپاه دوام و قوام پیدا کند.

جمهوری اسلامی در تنگنا

رابرت پل هیل در اسارت گروهی به نام "جهاد اسلامی برای آزادی فلسطین"، و فرانکرید گروگان باندی به نام "نصر اسلام" بود. هم نامی که این دو گروه (و شاید یک گروه) برای خود انتخاب کرده‌اند و هم تأکیدات صریح مقامات جمهوری اسلامی، بر وابستگی آنها به تهران دلالت می‌کند. اما دولت سوریه با استفاده از این نکته که دمشق مرکز مذاکرات پیرامون گروگانها و نیز محل آزادی گروگانها و تمویل آنها به سفارت آمریکا بود، و با سازمان دادن چنجال رسانه‌ای و تبلیغاتی، چنین القا کرد که خود باعث آزادی گروگانهای آمریکایی شده است. جمهوری اسلامی هصبانیت خود را از اینکه سوریه، بویژه آزادی پل هیل را به نام خود تمام کرده است، پنهان نکرد و کوشید در مورد رید، از نظر همه نقش تهران در آزادی گروگان مزبور روشن باشد. هلا والله مهاجرانی، معاون رفسنجانی، ملی مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات نوشت سوریه از طریق مذاکره با آمریکا توانسته است از آزادی پل هیل به سود منافع خود استفاده کند و خواستار گرفتن سرمشق از حافظ اسد شد.

تهران: تظاهرات افراطیون علیه مهاجرانی

معاون رفسنجانی با مقاله خود که در سنجش با معیارهای جمهوری اسلامی جسورانه بود، کاسه صبر حزب اللهی‌های افراطی

را لبریز کرد. آزادی دو گروگان آمریکایی، هلیرفم مقاومت جناح محتشمی صورت گرفته بود. خود محتشمی، بارها گفته و نوشته بود که نباید برای آزادی گروگانهای قریبی در لبنان اقدامی کرد. موضع رسمی جمهوری اسلامی این است که فالانزیست‌های لبنان هم از چند سال پیش چهار دیپلمات ایرانی را به گروگان گرفته‌اند، اسرائیل نیز تعدادی اسرای شیعه لبنانی و از جمله یک شیخ حزب اللهی بنام هبید را در اختیار دارد، و اگر قرب می‌خواهد اتباهش در لبنان از اسارت رهایی یابد، به فالانزیست‌ها و اسرائیل برای آزادی این هده، فشار وارد کند. اما موضع دیگری نیز مطرح است، امری که مدتها موضوع محبوب رفسنجانی در مصاحبه با خبرنگاران خارجی بود، اما چندی است که هلا بیان نمی‌شود: میلیاردها دلار دارایی مسدود شده دولت ایران در آمریکا و نیز سلاحهایی است که رژیم شاه بهای آنها را پرداخته اما آمریکا تحویل آنها را متوقف کرده است. به نظر می‌رسد خیال جناح رفسنجانی و جناح محتشمی در مورد اینکه باید گروگانهای قریبی در لبنان را به ویژه در ازای گرفتن این مبالغ و سلاحها معامله کرد، اختلافی نباشد. اما افراطیون به رهبری محتشمی، بیشتر به خاطر اینکه مانع بهره‌برداری سیاسی رفسنجانی از پیشرفت روابط با غرب شوند، با پیشدستی در آزادی گروگانها مخالف بوده‌اند، یا حداقل در لفظ ابراز مخالفت کرده‌اند. مقاله اخیر مهاجرانی، به خطامی‌های دو آتشه امکان

موضع‌گیری ملایم خامنه‌ای علیه مذاکره با آمریکا

در روز ۱۲ اردیبهشت، خامنه‌ای طی یک سخنرانی در مورد مقاله مهاجرانی و واکنش‌های آن، موضع گرفت. وی مفسلا در مورد اینکه با مذاکرات با آمریکا مخالف است، سخن گفت و افزود دولت بدون اجازه من با آمریکا مذاکره نمی‌کند، من هم با مذاکره مخالفم، دولت هم چنین نظری ندارد. (نقل به معنی) در همین حال، جانشین خمینی به لزوم "دیپلماسی فعال" اشاره کرد و در خاتمه، یادآور شد حزب الله در برابر موضع‌گیری‌های افراد "ساده لوح و مرعوب آمریکا" مانند مهاجرانی نباید به دشنام روی آورد، بلکه با "سلاح منطق" با آنها مقابله کند. قابل تصور است که اگر خمینی زنده بود، واکنش بسیار تندتری در برابر چنین مقاله‌ای می‌داشت.

رفسنجانی نیز با گله از دولت جرج بوش که چرا مثل "یک کودک لجوج و هده‌ای" قدر هیل "انسانی" گروگان‌گیرهای لبنانی را ندانسته است، ناچار شد تکرار کند که با رابطه با آمریکا مخالف است. وی خطاب به ایالات متحده گفت: "ما بارها به شما گفته‌ایم که نمی‌خواهیم با شما حرف بزنیم".

تحولات مهم در خاورمیانه

همزمان با آزادی دو گروگان آمریکایی، در خاورمیانه تحولاتی در جریان است که جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار می‌دهد. برای نخستین بار پس از شکل‌گیری اختلاف شدید میان سوریه و مصر، حسنی مبارک

رئیس جمهور مصر در هفته گذشته از دمشق دیدار رسمی به عمل آورد. پس از ملاقات چهار جانبه روسای جمهور مصر، سوریه، لیبی و سودان در فروردین ماه، سفر مبارک به سوریه گام دیگری در جهت تغییر صفتندی‌های چند ساله در منطقه است. جمهوری اسلامی که چندی است لیبی را به عنوان متحد پایدار از دست داده است، می‌رود تا با خروج سوریه از انزوا در دنیای عرب، دچار مشکلات سیاسی جدیدی شود. دهها میلیون بشکه نفت رایگان، فرستادن زائران مجهز به دلار به بازار دمشق و موارد دیگری باج دهی آخوندها به حافظ اسد، نتوانسته است این سیاستمدار ماکیاولیست عرب را به وفاداری ترغیب کند. اسد، راه خود را می‌رود، به ویژه پس از اینکه دریافت شده است شوروی نیز دیگر حاضر نیست تا ادب بار مسلح کردن ارتش سوریه را بردوش بکشد. سفارت اسرائیل در قاهره هنوز با برجاست، اما دیگر کمتر کشور عربی وجود دارد که بدین خاطر، به قطع رابطه با مصر پنجاه میلیونی ادامه دهد. سوریه هم از این قاعده مستثنی نیست. شعارهای تندوتیز ترجمه شده از فارسی به عربی، برای حافظ اسد نا و آب نمی‌شود. البته نزدیکی مصر و سوریه الزاما به معنای تیرگی روابط تهران و دمشق نیست، اما خامنه‌ای و رفسنجانی دیگر به خوبی می‌دانند که حمایت سیاسی سوریه در آینده برای آنها به نرخ گران‌تری تمام خواهد شد. برای سوریه، چشم انداز امیدبخش‌تری از اتحاد دو گانه با جمهوری اسلامی وجود دارد: بازگشت به "همبستگی عربی" و حتی، در لحظه مساعد، آشتی با همسایه نیرومندش، عراق.

مذاکره با آمریکا: مخفی یا هلنی؟

هیچ تردیدی وجود ندارد که نه خامنه‌ای و نه رفسنجانی اگر برای حفظ حکومت اسلامی مذاکره، بندوبست و حتی دادن پوئن‌های یک جانبه به آمریکا را لازم بدانند، لفظ‌های هم در این امر تامل نخواهند کرد. حتی در زمان حیات خمینی نیز در جریان سفر مک‌فارلین به تهران

مذاکرات مخفی گسترده‌ای با واشنگتن صورت گرفت. رفسنجانی به انجام این مذاکرات اعتراف کرد و خمینی نیز با پر خاش به چند نماینده مجلس که در این مورد سئوالی مطرح کرده بودند، نشان داد که همه جریانات بانظرو تصمیم او گذشته است. با در نظر داشتن این پیشینه، نطق‌های آتشین رهبر و رئیس جمهور فعلی، دروغ بانی مضحکی بیشتر نیست.

با این حال، در این موضع‌گیری‌ها یک واقعیت نیز نهفته است: رژیم لاقل در حال حاضر توان مذاکره هلنی با آمریکا را ندارد. میراث خمینی سنگین‌تر و حضور حزب الله افراطی در حکومت نیرومندتر از آن است که بخذارد رفسنجانی هلا روابط با آمریکا را برقرار کند. جناح محتشمی به خوبی می‌داند نعمت‌هایی که رابطه هلنی با آمریکا و بسط روابط با سایر کشورهای مشرقی به صورت اعتبارهای موثر در بازسازی پس از جنگ و نیرومندتر شدن موضع ایران در مذاکرات صلح و فیر به همراه می‌آورد، یک سره هاید رفسنجانی خواهد شد و سر خطامام در این میان بی‌کلاه خواهد ماند. موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی برای دولت رفسنجانی از طریق نزدیکی به غرب، بازار افراطی‌گری امثال محتشمی را کساد خواهد کرد. از این رو است که جناح محتشمی با تمام قوا در برابر هرگونه تلاش رفسنجانی برای حل بحران گروگانهای لبنان به مثابه پیش‌شرط بهبود روابط با غرب ایستاده است و بدین منظور، سلاح نیرومندی در اختیار دارد که میراث سیاسی و ایدئولوژیک خمینی است. اگر از اطرافیان رفسنجانی کسی مانند مهاجرانی به خود جرات دهد موضع مذاکره با آمریکا را طرح نماید، محتشمی و یارانش همه حزب اللهی‌ها را علیه او بسیج می‌کنند.

در این شرایط، برای رفسنجانی و وزارت خارجه، چاره‌ای جز مذاکرات فیر هلنی و یا فیر مستقیم نمی‌ماند. تازه در این صورت هم نمایندگان رژیم باید چهار چشمی مواظب باشند مثل ماجرای مک‌فارلین لو

نروند. دیپلماسی فعال مورد نظر خامنه‌ای، قبل از هر چیز یک دیپلماسی مخفی است. در این دیپلماسی اسلامی، متدها و مکانیزم‌هایی وجود دارد که در دیپلماسی متعارف، جایی برای آن نیست: گروگان‌گیری، باج‌دهی و باج‌خواهی، شیوه‌هایی از مذاکره که فایده آن قبل از همه به جیب واسطه‌هایی مانند رژیم سوریه، دلالان رنگارنگ اسلحه و گانگسترهای بین‌المللی می‌رود، و هزار و یک هملیات محیر العقول مافیایی که به ندرت فاش می‌شود. در این دیپلماسی، امتیازها را آخوندها از جیب مردم ایران می‌دهند، اما فایده‌اش را می‌دهند و امثال او می‌برند. این دیپلماسی خائنانانه، بیش از ده سال است که بزرگترین ضربه‌ها را به منافع ملی ایران زده است. این هم یکی دیگر از شاهکارهای ولایت فقیه است. از یک سو، واقعیت‌های خردکننده جهان معاصر، آنچنان است که جز مذاکره و رابطه با کشورهای نیرومند و قدرت‌های اقتصادی و سیاسی، چاره‌ای نمی‌ماند، و از سوی دیگر، رژیم جمهوری اسلامی با دروغ‌بانی‌ها و رفتار دن‌کشوت‌وار ده ساله‌اش، آنچنان هاله ضاجنبی کاذبی برای خود درست کرده که در تنگناها، ناچار از توسل به بندوبست‌های پنهانی است. این گونه روابط و مذاکرات، از آنجا که دور از کنترل و نظارت افکار عمومی و خارج از چارچوب معیارهای حقوقی، دیپلماتیک و سیاسی بین‌المللی صورت می‌گیرند، دست طرف نیرومندتر را برای هرگونه اجحاف و زورگویی باز می‌گذارند. به نظر می‌رسد احتیاجی به ذکر این نکته نباشد که در مذاکره میان ایران و آمریکا، طرف نیرومندتر کدام است.

تصور اینکه زمانی رژیم جمهوری اسلامی به جای دیپلماسی مخفی، به روابطی که اکنون حرف معمول دنیا شده است تن دهد، لاقل در حال حاضر و با تناسب قوای فعلی در حکومت، دشوار است. تا آن زمان، دیپلماسی پنهانی ادامه خواهد داشت و باج‌دهی‌ها، رسوایی‌ها و خیانت‌ها همچنان آن را همراهی خواهند کرد.

بهارشبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۹ شماره ۸۷۲

جمهوری اسلامی

«جریانهای مرعوب» و راه‌حلهای سازشکارانه

در اولین واکنش خود در قبال آزادی گروگان آمریکا مطرح می‌سازد چگونه است نشریه‌ای که عده‌ای آنرا وابسته به جناحی در وزارت خارجه معرفی می‌کنند مجدداً آزادی یک گروگان دیگر را درخواست می‌کند؟

و یا زمانی که وزارت خارجه هر نوع تمایلی برای تجدید رابطه با دولت مصر را رد می‌کند با این استدلال که همه ملت‌ها در زمینه‌های فرهنگی به یکدیگر نزدیک می‌شوند و ادامه خصوصتها برای هیچکس سودی دربر نخواهد داشت احتمال برقراری روابط سیاسی میان تهران و قاهره را مطرح می‌سازد.

همچنین طرح ادعای سفر معاون وزیر خارجه ایران به سانائوگا برای شرکت در مراسم انتقال قدرت از اورنگا به چامورا آیا به منظور القای ایجاد چرخشی در سیاست خارجی ایران دنبال می‌شود؟ از کسانی که با چنین مهارتی به کار مشغولند بعید است از هیولای پرورده تبلیغات و جار و جنجال غرب وحشت کرده و اکنون برای مصون ماندن از این تهدیدات به کاغذ سفید نظر نمایند. بسکه زمینه‌ها را باید در جای دیگر جستجو کرد. اگر ایران قرار بود به راه حلهائی چون مذاکره مستقیم با آمریکا به قیمت گسار نهادن ارزشهای اعتقادی و تغییر مواضع سیاسی توسل جوید قطعاً باید در شرایط جنگی که غرب مسوحسترین تسلیحات را برای در هم شکستن مقاومت ایران در اختیار عراق قرار می‌داد، به این امر توجه می‌کرد. اما اکنون که تحولات جهانی نوید شکسته شدن قریب‌الوقوع سلطه مطلق آمریکا را می‌دهند و آینده جهان به محور اقتصاد خواهد چرخید و کشورهای مختلف به خاطر حضور فعال در این رقابت به برقراری روابط اقتصادی از یکدیگر پیشی خواهند گرفت، چه ضرورتی در مواجهه با آمریکا ما را به فراموشی اصول خود سوق می‌دهد؟

جریانهای مرعوب غرب تحلیل درستی از فرصتهای ایجاد شده ندارند در مقاطع مختلف انقلاب زمینه‌ها برای برون‌فکنی مایهتیا فراهم می‌شوند کما اینکه تاریخ کوتاه انقلاب بهترین سؤید این مدعاست.

اطلاعات

۱۳۶۹/۲/۱۶

مذاکره مستقیم

از: سید عطاءالله مهاجرانی

«جیمزبیکر» وزیر خارجه آمریکا چندی قبل اعلام کرد که آمریکا آماده است با مقامات ایرانی مستقیماً مذاکره کند. ممکن است بگوئید به همین دلیل فتنه‌ای در کابل و توطئه‌ای برپاست والا چگونه است که بیکر پیشنهاد مذاکره مستقیم را داده است، در هر حال این خود شیوای است که صرف نظر از سنجش سخن و موضع، صرفاً به همین اعتبار که گوینده چه کسی است می‌توان بر سخن خط بطلان کشید و در پس هر حرفی توطئه‌ای را کشف کرد.

به گمانم می‌توان از زاویهای دیگر نیز مذاکره مستقیم را سنجید و بین مذاکره مستقیم و مذاکره غیرمستقیم، طرف بهتر یا لااقل آنکه شرش کمتر است را برگزینیم. فرضهای ما از این قرارند:

۱- ما قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفته‌ایم، گردش کار و تداوم این قطعنامه با هدایت دبیرکل سازمان ملل و عملاً زیر نظر شورای امنیت انجام می‌شود. آمریکا عضو دائم شورا و نیز مؤثرترین عضو است.

۲- از زمان پیروزی انقلاب تا به حال مابین آمریکا و ایران مسائل متعدد و متنوعی از قبیل بلوکه شدن داراییهای ایران و جلوگیری از ارسال قطعات یدکی خریداری شده که مصرف نظامی داشتند و ... وجود دارد.

۳- چهار نفر از اتباع ما و نیز تعداد قابل توجهی از مسلمانان مظلوم لبنان از جمله شیخ عبید در دست گروههای طرفدار آمریکا و اسرائیل به گروگان گرفته شده‌اند.

۴- عراق به عنوان دشمن بالفعل و بالقوه ما با بهره‌گیری از امکانات جهانی و سازماندهی محاسبه شده روابط بین‌المللی و دیپلماسی خود هر روز در جهت تقویت نظامی و سیاسی خود بیشتر کوشیده است.

۵- و بالاخره بازسازی صنعتی و اقتصادی کشور و گذر از تخریبهای عظیم دوران جنگ وظیفه محتم ماست که کمترین درنگی در آن پذیرفته نیست.

اینها فرضهای قضیه بود، مذاکره در تاریخ عالم و آدم همواره به عنوان امری بسیار بدیهی که نیاز به برهان و توجیه ندارد به کار گرفته شده است.

مذاکره مستقیم انبیا الهی با دشمنان خدا و خلق، سنت و سیره پیامبر اسلام و امیرمومنان و سایر ائمه معصومین، عرف انقلابیون و سیاستمداران مستقل دنیا و بالاخره این برهان و بینه که مذاکره به معنی پذیرش سلطه و انقیاد نیست، امری درخور توجه است به ویژه آن که در دنیای امروز ما نخواستیم دیواری بلند به دور کشور و مردم بکشیم و در دنیای «فنی رابطه» زندگی کنیم. داستان گروگانها، داستان عبرت‌آموزی است به همین اعتبار که دولت دوست و برادر سوریه از مذاکره مستقیم با آمریکا پرهیز نکرده، تبدیل به ستاره تبلیغاتی ستاروی آزادی گروگانها شده و مصالح و منافع ملی‌اش را پیش برده و کمر کیف نقش ایران به تعبیر رئیس جمهور آمریکا بر آمریکا پوشیده مانده است!

به گمانم اگر در شرایط ویژه‌ای که هستیم مصلحتهای کشور و انقلاب را بر سایر امور ترجیح ندهیم، بهرامش از دست رفتن فرصتها برای انقلاب و کشور و ملتی خواهد بود که دشمنانش می‌خواهند فرصتهای او را بگیرند و سالها پس از سالها بگذرد و ما در وادی بازی با شمار مثل بازی با یخ متوقف بمانیم.

خبرها و نظرها

برگزاری پلنوم کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

اعلام نمود که گروه منحرف از مشی حزب را خائن و مزدور دشمنان جنبش کردستان میدانند. از همین رو حق استفاده از نام پرافتخار حزب دمکرات کردستان ایران را برای آنان نمی‌شناسد، و وظیفه حزب می‌داند که تا هنگامیکه دست از این نام برنداشته‌اند از همه امکانات نظامی و سیاسی و تشکیلاتی و تبلیغاتی در برابر آنان استفاده بعمل آورد.

پلنوم سرانجام اعضای کمیته آماده کردن کنگره نهم را که بنا بر اساسنامه حزب بایستی در سال جاری برگزار گردد انتخاب نمود. بدنبال آن کارهای پلنوم به پایان رسید و شرکت‌کنندگان در آن برای انجام وظایف انقلابیشان بسوی محلهای فعالیت و مبارزه خویش بازگشتند.

پیروزی مبارزه خلق ما برای رسیدن به دمکراسی و آزادی

مبارزه نیروهای اپوزیسیون ایرانی از جمله حزب دمکرات از جهات گوناگون بررسی گردید. پلنوم کمیته مرکزی یکبار دیگر بر این نظر تاکید ورزید که خواستهای مردم کردستان و خلقهای ایران نظیر دمکراسی، کسب حقوق ملی، و حرکت بسوی سوسیالیزم دمکراتیک بدون حذف رژیم آخوندی امکان برآورده شدن ندارند، و این نیز بانجام نخواهد رسید مگر در سایه مبارزه و تلاش قاطعانه و متحد خود مردم ایران و نیروهای اپوزیسیون علیه این رژیم واپسگرا و دیکتاتور.

آنگاه برنامه کار و فعالیت حزب برای ماههای آتی که به دنبال چندین سمینار و نشست ویژه در ماههای گذشته آماده شده بود در پلنوم به بحث و گفتگو گذاشته شد، و بر سر نکات اساسی آن بخصوص در داخل کشور از نظر تشکیلاتی و نظامی توافق بعمل آمد.

در این رابطه پلنوم با توافق آرا

و گسترش درگیری‌های نظامی در کردستان را تشدید کرده است. مقرر اعلامیه چنین است: دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران با اطلاع می‌رساند که پلنوم کمیته مرکزی کار خود را در روز بیست و پنجم فروردین ماه آغاز کرد و روز بیست و هفتم آن را به پایان رساند.

پلنوم در ابتدای کار به بررسی قرارهای پلنوم قبلی، و چگونگی اجرای آنها پرداخت. نتیجه این بررسی روشن ساخت که خوشبختانه در سایه احساس مسئولیت کم نظیر رفقای حزبی همه قرارها بطور کامل و در نهایت دقت بانجام رسیده‌اند. سپس پلنوم بحث مفصل و دقیقی را در مورد وضع عمومی جهان و بویژه تحولات اخیر کشورهای سوسیالیستی آغاز نمود. در جریان این بحث نتایج احتمالی تحولات نامبرده و تاثیر آنها بر اوضاع آینده جهان و ایران مورد ارزیابی قرار گرفت، و افق تلاش و

از اعلامیه

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی

گذشته با هم نزدیک شده و همکاری سودمند و موثری با هم داشته باشند. پلنوم ضمن تاکید دوباره روی محتوای ماده پنجم اعلامیه ده‌ماده‌ای مورخ ۷/۱/۶۷ حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی با تلاش در جهت خاتمه دادن به آشفتگی و چند دستگی بین نیروهای شرکت‌کننده در جنبش خلق کرد و با نظر گرفتن این حقیقت که جنگ خودی و مقابله مسلمانان زیان جبران‌ناپذیری بر جنبش انقلابی خلق ستم‌دیده کرد وارد کرده و این امر مستقیماً به سود دشمنان خلق کرد و همه خلق‌های

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی در اعلامیه‌ای به تاریخ ۵ فروردین ۶۹، برگزاری پلنوم پنجم کمیته مرکزی این حزب را اعلام داشته است. این اعلامیه به زبان کردی منتشر شده، که ترجمه بخشی از آن به قرار زیر است: پلنوم ضمن اصرار بر ادامه و تشدید مبارزه مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلامی و ضرورت کار تشکیلاتی جهت هر چه فعال‌تر کردن خلق و حزب آن‌ها به سوی جنبش، روی گسترش فعالیت سیاسی در خارج کشور تاکید کرد.

پلنوم همراه با تأیید مجدد سیاست اصولی حزب در دو سال گذشته روی اتحاد عمل همه نیروهای مترقی ایران در ارتباط با جنبش کردستان، از تمام نیروهای که به نحوی با جنبش ارتباط دارند، خواست تا بیشتر از

انتشار نشریه آیندگان

آیندگان روزنامه‌ای شد که در دستگاه حکومتی تاثیر داشت، بیش از هر روزنامه دیگری، بیش از مجموع روزنامه‌های دیگر، زیرا بسیاری از مسائلی که ما مطرح می‌کردیم و بحث‌هایی که آغاز می‌شد و اغلب در جریان سیاست گذاری تاثیر می‌نهاد.

آن نقشه‌هایی که برای آزاد بودن و بحث موشکافانه در مسائل مملکت داشتیم به موانع سانسور رایج آن روزها برخورد. بطوری که دیگران ما را متهم می‌کردند جواز مخصوص داریم، چراغ سبز برآیمان روشن شده. حال آنکه مطلقاً چنین نبود. اصولاً روزنامه‌ها با شاه طرف بودند. وزارت اطلاعات و ساواک و تئست وزیر و وزیر اطلاعات مجری بودند. بیشتر مصیبت‌ها از شاه ناشی می‌شد. او خواننده فوق‌العاده هلاکت‌مند روزنامه‌ها بود و به نظر من بیش از حد هلاکت‌مند که به سود روزنامه‌ها باشد.

بقیه در صفحه ۶

از فروردین ماه امسال انتشار نشریه آیندگان در خارج از کشور آغاز شد. در اولین شماره این نشریه انتشار آن در پاسخگویی به ضرورت وجود یک نشریه جدی و آگاه و آزادمنش که بتواند ارتباط میان ایرانیان خارج از کشور را برقرار سازد و در خدمت بالابردن سطح فرهنگی، سیاسی، اجتماعی ایرانی قرار گیرد طرح گردیده است.

نشریه آیندگان از سال ۱۳۴۶ به صورت یک روزنامه صبح به مدیریت داریوش مایون انتشار می‌یافت. سردبیر این روزنامه دکتر غلامحسین صالحیار بود و موشنگ وزیری، جهانگیر بهروز و... مسئولین اصلی این روزنامه بودند. در آن زمان نشریه آیندگان به عنوان روزنامه‌ای که رابطه نزدیک‌تری با رژیم دارد و مواضع آن را منعکس می‌کند شناخته شده بود. آقای دایوش مایون در اولین شماره این نشریه در خارج از کشور در تلاش برای رد این نظر می‌نویسد:

پلنوم همراه با تأیید مجدد سیاست اصولی حزب در دو سال گذشته روی اتحاد عمل همه نیروهای مترقی ایران در ارتباط با جنبش کردستان، از تمام نیروهای که به نحوی با جنبش ارتباط دارند، خواست تا بیشتر از

«انحصار طلبی» و «سلطه‌گری» و «استبداد» بلند سازند. این خواسته‌ها همه قانونی است و با توجه به شرایط مساعد داخلی و جهانی لازم است درخواست‌های منصفانه را در چهارچوب قانون قرار دهند تا بهانه به دست بداندیشان ددمنش و فتنه‌سازان تزویرکار برای سوءاستفاده از احساسات پاک مردم داده نشود.

جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران اسفندماه ۱۳۶۸

برآورده شدن ندارند. همچنین در این پلنوم اعلام گردید تا زمانیکه جریان «حزب دمکرات کردستان رهبری انقلابی» از نام دیگری استفاده نکرده است حزب وظیفه خود می‌داند از همه امکانات نظامی، سیاسی، تشکیلاتی و تبلیغاتی علیه آنان استفاده بعمل آورد.

این موضع‌گیری غیردموکراتیک، نگران‌ی از ادامه

است! بار نخست در انقلاب مشروطیت و بار دوم در انقلاب بهمن ۵۷ بود. امروز ملت ایران نباید اجازه دهد که با وعده و وعید او را افعال کنند. ما همه باید به هوش «مستبد» یا «استبداد» مبارزه کنیم. شعارهای مردم به هوش زنده باد یا مرده باد فلان شخص، باید بر خواست‌های اصولی در زمینه آزادی و دمکراسی متمرکز باشد. به یقین باید مردم بدانند که اگر حکومتی بازور ساقط شود، جانشین آن حکومت هم برای ادامه فرمانروایی خود به زور متوسل خواهد شد! تحولات امروز دنیا نشان می‌دهد که دوران کیش شخصیت و بت‌پرستی و بت‌تراشی گذشته است. امروز مادر جهانی زندگی می‌کنیم که مجسمه‌های چهل متری بت‌ها باره‌های برقی قطع و برداشته می‌شود و از جلو چشم مردم به موزه‌های تاریخ منتقل می‌گردد. در جهان امروز آرمان‌ها و خواسته‌های ملی مطرح است و مردم خود ناجی هستند و برای نجات به این و آن روی نمی‌آورند.

ملت مبارز ایران! کشور ما روزهای بسیار حساسی را می‌گذراند. قافله ملت‌های از بند رسته به سرعت به سوی عظمت و ترقی در حرکتند. دریغ است که ما این فرصت تاریخی را در کشورمان صرف زنده‌باد و زید کنیم! اگر فریاد اعتراض از سینه دردمند ملت و جوانان ما بیرون می‌آید باید این فریاد، فریاد «زنده‌باد آزادی و دمکراسی» و «مرده‌باد استبداد» و «دیکتاتوری» باشد، نه چیزی دیگر!...

هموطنان، جوانان، مردان و زنان ایران زمین! فرصت کم‌نظیری از جهات گوناگون پیش آمده که ما می‌توانیم به خواسته‌های تاریخی خود در استقرار آزادی، حاکمیت ملت، تأمین رفاه عمومی و ریشه‌کن کردن فقر و فلاکت دست یابیم. ما اطمینان داریم در دستگاه حاکمیت هنوز کسانی هستند که وجدان خود را در معبد جاه‌طلبی‌ها و استبداد قربانی نکرده‌اند و می‌توانند ملت ایران را برای رهایی از استبداد و ستمگری یاری دهند. ما از مردم می‌خواهیم دست به دست هم دهند و با یکپارچگی خواسته‌های به حق خود را در استقرار حکومت قانون و حاکمیت ملی درخواست نمایند و فریاد و اعتراضشان را هر چه رساتر

طبق اعلامیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران پلنوم کمیته مرکزی این حزب در روزهای بیست و پنجم تا بیست و هفتم فروردین ماه برگزار شد. در این پلنوم تاکید شده است که خواستهای مردم کردستان و خلقهای ایران نظیر دمکراسی، کسب حقوق ملی و حرکت بسوی سوسیالیزم دمکراتیک بدون حذف رژیم آخوندی امکان

جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران

«مردم لازم است درخواست‌های منصفانه را در چهارچوب قانون قرار دهند تا بهانه بدست بداندیشان داده نشود»

داشتند بتوانند به آرمان‌های اصلی خود بعد از انقلاب دست یابند، امروز آرمان‌هایشان را بر باد رفته می‌بینند و خود را در برابر نظام جدیدی می‌یابند که در آن کمترین اهتتایی به خواسته‌های ملت از طرف حاکمیت نمی‌شود...

طبیعی است در شرایطی که زبان خبرخواهان بسته و قلم اصلاح‌طلبان شکسته و سانسور و اختناق خبری به شدت حاکم است، مردم ناراضی و بدبین حق دارند به سوی گروه‌های مخالف و حتی دشمن نظام در خارج از کشور - که امکان ارتباط با مردم برایشان فراهم است و از تسهیلات بین‌المللی برخوردارند - روی آورند و برای نجات خود از آنان یاری بجویند. تجربیات تاریخی نشان می‌دهد در شرایطی که نارضایتی مردم گسترش یابد، توسل به خشونت، بازداشت، حتی اعدام نمی‌تواند جلو خشم و همیان عمومی را بگیرد و به کار بردن نیروهای مسلح تاثیر چندانی در پیش‌گیری تحولات تاریخی ندارد. البته روش‌های سرکوبگرانه می‌تواند برای مدتی رستاخیز ملت را به تاخیر اندازد، اما سرانجام سرکوبگران در لهیب آتشی که افروخته‌اند زودتر از دیگران می‌سوزند و نابود می‌شوند.

به نظر ما آنچه در بعد از ظهر روز جمعه ۶۸/۱۱/۲۷ تهران اتفاق افتاد، در صورت ادامه وضع موجود و بی‌اهتتایی حاکمیت به خواسته‌های مردم می‌تواند سرآغاز روندی گسترده باشد. لذا اقتضا دارد حکومت‌گران با توجه به جوسازی و فضای آزاد جهانی، اعتراضات مردم را به عنوان یک هشدار جدی تلقی کرده با توجه به آنچه یازده سال قبل در ایران اتفاق افتاد و آنچه امروز در کشورهای دیکتاتوری و تک حزبی در جهان صورت می‌گیرد، اگر نمی‌توانند مثل لهستان عمل کنند، حداقل از روش اورتگا در نیکاراگوئه پند بگیرند و به مشیت و سنت الهی و اراده و خواست ملت تسلیم شوند و تا دیر نشده حکومت قانون را مستقر سازند و آزادی و حاکمیت ملت را به ملت بازگردانند...

هشدار به ملت ایران از آنان

جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت مردم ایران به رهبری مهندس مهدی بازرگان پس از تظاهرات روز جمعه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۶۸ اعلامیه‌ای صادر کرد. در این اعلامیه از یکسو از مردم خواسته شده است بجای شعار «زنده باد یا مرده باد فلان شخص» شعار «زنده باد آزادی و دمکراسی» و «مرده باد استبداد و دیکتاتوری» را طرح نمایند و فریاد اعتراض خود را علیه «انحصار طلبی» و «سلطه‌گری» و «استبداد» هر چه رساتر سازند و از سوی دیگر از مردم خواسته شده است اعتراضات خود را در چهارچوب‌های قانونی محدود نمایند. در اعلامیه آمده است:

بنام خدا به دنبال لغو برنامه برگزاری مسابقات پرتماشاهی فوتبال در استادیوم‌های آزادی و امجدیه در بعد از ظهر روز جمعه ۶۸/۱۱/۲۷ تظاهرات و افتشاشاتی در چند منطقه تهران صورت گرفت (و هنوز هم بر طبق گزارشات خارجی کم‌وبیش ادامه دارد) که شکل و نحوه آن و شعارهایی که داده شد، از حد اعتراض بر تعطیل مسابقات بیرون بود و به صورت حرکتی علیه حاکمیت درآمد.

اما هلیبرقم دو هفته سکوت مقامات دولتی، جزئیات حادثه همان روز مصر به طور وسیع در سطح پایتخت پخش شد و رسانه‌های خبری خارجی همان شب جزئیات رویداد را با جهت‌گیری‌های خاص خود پخش کردند. بعضی از گروه‌های مخالف برون مرزی در تبلیغات خود از آن بهره‌برداری نمودند و رهبری این حوادث را به خود نسبت دادند، خبر از بازداشت‌های وسیع در تهران و شهرستان‌ها داده شد و اکنون بعد از گذشت تریب دو هفته هنوز هم مساله تظاهرات خیابانی در صدر اخبار رادیوهای خارجی در ارتباط با ایران قرار دارد...

هشدار به حاکمیت از نظر این جمعیت، اختناق و انحصار حاکم بر فضای کشور و سلب آزادی و امنیت عمومی و بی‌اهتتایی به حقوق و تمثیر مردم و مسلوب‌الاختیار دانستن آنها تمت لوای ولایت مطلقه، ملت‌العلل و ریشه اصلی مشکلات و بمران‌های کنونی جامعه است. مردمی که یازده سال قبل علیه استبداد انقلاب کردند و تصور

پیرامون برخورد طرفداران سلطنت با سخنرانی هفتم آوریل احمد شاملو

دموکراسی این آقایان!

بقیه از صفحه اول

ایران (CIRA)
در روزهای ۷ و ۸ آوریل ۹۰، پیرامون بررسی هنر و ادبیات و شعر فارسی، در دانشگاه برکلی کالیفرنیا آمریکا جلسات سخنرانی ترتیب داد. در این جلسات احمد شاملو، نادر نادرپور، حمید هنایت و همانا طوقی شرکت داشتند. روز هفتم آوریل احمد شاملو در سخنرانی خود که عنوان "مقایسه شعر نو و شعر کهن فارسی" را داشت، در باره "اساطیر و تاریخ باستان ایران و لزوم تجدیدنظر در آنها" نیز سخنانی ایراد کرد. هنوز متن کامل این سخنرانی در هیچ یک از نشریات درج نشده است. با وجود این علیه سخنرانی شاملو و حتی علیه شخصیت او مقالات متعددی با امضاهای مختلف در کیهان چاپ لندن به چاپ رسیده است. مبنای همه حرفها گزارشی است که در شماره ۲۹۸ هفته نامه مزبور (۱۹ آوریل) با امضای م. سرابی درج گردیده است.
نوشته حاضر به بررسی نحوه برخورد اشخاصی که با انگیزه دفاع از پادشاهی و پادشاهان (مقاله آقای علی کمالوند - سوم مه) یا دفاع از ناسیونالیسم و ملیت گرایی (مقاله آقای قلی حسین زاده - ۲۶ آوریل) و یا با انگیزه تخطئه کردن کانون نویسندگان ایران و یا دفاع از "شهبانو فرح" (یادداشت های هفته نوید بوستانی - ۲۶ آوریل) خواهد پرداخت. پیش از پرداختن به این مقالات، با استفاده از گزارش مختصر آقای م. سرابی و مقاله آقای قلی حسین زاده که در دو شماره متوالی کیهان چاپ لندن درج گردیده اند، خلاصه تازه ای از سخنرانی هفتم آوریل احمد شاملو ارائه می دهیم:

خلاصه سخنرانی

شاملو در سخنرانی خود با این مقدمه که "شما حق ندارید به هیچ یک از احکام و آیه هایی که از گذشته به امروز رسیده و چشم بسته آنها را پذیرفته اید ایمان داشته باشید..." و "...پیمان بی مطالعه سدره تعالی بشری است..." در مبحثی که اشاره به شاهنامه فردوسی داشت چنین می گوید:
"برای مبارزه با جمل و تعصب، بایستی باورها و اعتقادات مردم را تغییر داد و یکی از آنها، باور فطری است که ما به شاهنامه پیدا کرده ایم. شاهنامه پراز جمل و واقعیت ها است. چرا که مثلا ضحاک شخصی بوده است قادر و مساوات طلب و برعکس کاوه که او را به ماه به عنوان ناجی و فردی حق طلب و حقیقت جو و مبارز شناسانده اند، خائنی بیش نبوده که همچون شهبانو بی مخ؟ آن عصر، تاج سرنگون شده ای را بر تارک پادشاهی از تخم و ترکه رژیم سابق نشانده است..."

شاملو بر تاریخ مکتوبی که بر اساس آن شاعر نامی ایران شاهنامه را به نظم درآورده تردید خود را اعلام می کند و با استناد به اشعار فردوسی نتیجه می گیرد که: "جمشید جامعه را به طبقات تقسیم کرده بود. طبقه روحانی، طبقه نجبا، طبقه سپاهی، طبقه پیشه ور و کشاورز و غیره... اما ضحاک که روی کار می آید این طبقات را بهم می ریزد و کاوه آهنگر با قیام خود فریدون را به سلطنت می رساند و دوباره جامعه را طبقاتی اعلام می کند و با فرستادن جارجی هایی اعلام می دارد:

سپاهی نباید که با پیشه ور
به یک روی جویند هر دو هنر
یکی کارور و دیگری گرزدار
سز او هر دو پدید است کار
چون این کار آن جوید آن کار این
پراشوب گرد در سراسر زمین..."

شاملو "از فردوسی انتقاد می کند که چرا از اقدامات اجتماعی ضحاک سخن نمی گوید و او را پیشاپیش محکوم می کند و با رویاندن دو مار روی شانه هایش، که ناچار است برای آرام کردنشان مغز سر انسان بر آنها ضام کند - و نیز با تازی خواندن او حق ضحاک پینوار اکت دستش می گذارد."

او "اسطوره ضحاک را بدین صورتی که به ما رسیده پرداخته ذهن مردمی می داند که از منافع نظام طبقاتی برخورد دارند و چون در این میان پردازندگان اسطوره را آدم هایی هادی می داند، پس طبیکتدگان اسطوره را (خواه فردوسی و خواه مصطفی خدای ناکم که ماخذ شاهنامه بوده) آدم هایی "کلک زن" خطاب می کند."

شاملو منشا اسطوره ضحاک را در ماجرای به تخت نشستن داریوش جستجو می کند و منشا تحریف اسطوره ضحاک را با تحریف تاریخی ماجرای بردیا

مقایسه می کند و می گوید:

"کمبوجیه برادری داشت به نام بردیا. بر دیالطبعاً از حالات جنون آمیز اخوی خبر داشت و می دانست که لابد امروز و فردا است که جنون حضرتش به تماشا بکشد و تاج و تخت از دستش برود. از طرفی هم چون انکاری در سر داشت و چندبار نهضت هایی به راه انداخته بود، اشراف به خویش تشنه بودند و می دانست که به فرض کنار گذاشته شدن کمبوجیه به هیچ بهایی نخواهند گذاشت او به جایش بنشیند. این بود که پیش دستی کرد و در قیاب کمبوجیه وارثش به تخت نشست. وقتی خبر قیام بردیا به مصر رسید، داریوش و دیگر سران ارتش سر کمبوجیه را زیر آب کردند و به ایران تاختند تا به قوه قهریه دست بردیا را کوتاه کنند."

شاملو روایتی را که بر اساس آن کمبوجیه در سفرش به مصر دستور قتل برادرش بردیا را می دهد تا مبادا در قیاب او هوای سلطنت کند، "تاریخ قلابی و دست کاری شده" خواند.

بر اساس این روایت، "پس از آنکه ماموریت قتل بردیا انجام شد، مفی به نام گئومات که شباهت عجیبی به بردیا داشت، بر تخت می نشیند و می گوید من بردیا هستم. کمبوجیه در مصر، پس از شنیدن این خبر از شدت خشم جنون آمیز، به روایتی خودکشی می کند و به روایتی دیگر بی درنگ به پشت اسب می جهد تا بر برادرش دو برابر این حرکت ناگهانی، خنجر می که به کمر داشت به شکمش فرو می رود و از زخم آن می میرد. آنگاه سران ارتش به قصر بردیا دروفین حمله می کنند. او را می کشند و قرار می گذارند صبح روز بعد در جایی جمع شوند و هر که اسبش زودتر شیهه کشید پادشاه شود. اسب داریوش زودتر از بقیه شیهه می کشد و داریوش به تخت می نشیند."

احمد شاملو با اشاره به حجاری های تخت جمشید که نشان می دهد حتی سربازان هادی هم خنجر بدون نیام به کمر نمی بستند چه سده پادشاه، روایت اخیر را کاملاً معقول اعلام می کند.

بر اساس چنین برداشتی از تاریخ، و با استناد به کتیبه های بی ستون و تحقیقات دیاکوف، شاملو می گوید:

"داریوش پادشاهی بود خودکامه و تصی القلب که برای سرکوب مخالفتش روش هایی خونین پیش گرفت. به دست خود گوسها و بینی "فرورتیش" را که بر علیه داریوش شوریده بود برید و چشم هایش را از کاسه درآورد."

او در این سخنرانی "بردیا را مردی اصلاح طلب می داند که می خواست دست به یک سلسله اصلاحات بزند..."

محورهای سخنرانی

بر اساس آنچه در گزارش سخنرانی احمد شاملو در کالیفرنیا آمریکا آمده است چکیده این سخنرانی را می توان در دو محور خلاصه کرد:

۱- بازنگری در اساطیر شاهنامه
۲- بازنگری در تاریخ پادشاهی ایران از موضع مخالفت با سلطنت

هیچ یک از این دو محور در تفکر، در آثار و در گفتارهای احمد شاملو تازگی ندارند:

اولاً در زمینه بازنگری در اساطیر شاهنامه "شاملو عقاید غیر متعارفش را از ۱۵ سال پیش ابراز داشته و نیز در کتاب جمعه - عر دی ماه ۱۳۵۸، اشاره ای به آن کرده است."

او در سال ۵۶، طی سخنرانی مبسوطی در دانشگاه جان هاپکینز آمریکا، نظریاتش را در زمینه بازنگری در اساطیر شاهنامه و به طور مشخص در مورد ضحاک اعلام کرده بود.

ثانیاً، در رابطه با موضع ضد سلطنت شاملو، باید گفت که بر هر آنکه آثار شاملو را مطالعه کرده و یا حتی با اشعار او مختصر آشنایی داشته باشد، واضح است که مخالفت با سلطنت و پادشاهی، مستقیم و غیر مستقیم، در اکثر آثار او موج می زند:

"و آن کس که برای یک قیابرتن و سه قیاب در صندوق و آن کس که برای یک لقمه در دهان و سه نان در کف

و آن کس که برای یک خانه در شهر و سه خانه در ده باقیان و خانه یک تاریخ چنان کند که تو کردی، رضاخان

نامش نیست انسان

مهر داد کیمیائی

نه، نامش انسان نیست، انسان نیست
من نمی دانم چیست
به جز یک سلطان!"

احمد شاملو در همین شعر، که بخشی از آن در بالا آورده شد، (تصیحه برای انسان ماه بهمن - بهمن ۱۳۲۹) در تصویری که از مبارزین ارائه می دهد، تاریخ پادشاهی را نیز از داریوش تا نوشیروان به نقد می کشد:

"چه بسیار
که کشتند بر دگی زندگی شان را
تا آتایی تاریخشان زاده شود
با ساز یک مرگ، با گیتار یک لورکا
شعر زندگی شان را سرونند

.....

و تاریخی سرونند در حماسه سرخ شعرشان
که در آن
پادشاهان خلق

باشیبه حماقت یک اسب
به سلطنت نرسیدند

و آنها که انسان ها را با بند ترازی هدالتشان بدار
آویختند

عادل نام نگر فتند."

شاملو در شعری به نام ۲۳ که در شبانگاه کشتاری سروده شده بود که ارتش محمدرضا شاه در ۲۳ تیر ۱۳۳۰ در تهران براه انداخت، خطاب به فرماندهان کشتار و خطاب به حامیان تاج و تخت شاه چنین می گوید:

"دهایی که شهاب مزه می کنید
تاریخ زندگانی ست که مرده اند
و هنگامی نیز
که زنده بوده اند

خروس هیچ زندگی
در قلب دهکده شان آواز
نداده بود..."

انگیزه ها

همانگونه که گفته شد، آنچه شاملو در سخنرانی خود اعلام کرده، مسائل تازه ای نبود. پس چه انگیزه ای باعث اینگونه برآشفتنگی و برخوردی بدینگونه توهم آمیز با شاملو شده است.

گزارش مندرج در شماره ۲۹۸ کیهان چاپ لندن تفاوت برخورد با سخنرانی شاملو را در سال ۵۶ و امسال چنین ارزیابی می کند.

"...در آن زمان چون تب تند و داغ ضد سلطنتی در بین دانشجویان سخت رواج داشت و مردم بعد از جشن های دوهزار و پانصد ساله به موضوع سلطنت کورش و داریوش و... حساس شده بودند، چنین نظریه هایی پیرامون تاریخ و اساطیر ایران در بین دانشجویان ضد سلطنت فوری مورد قبول می افتاد... از نظر روانشناسی جامعه، در آن روزگار، مردم هویت ملی خود را در خطر نمی دیدند ولی حالا که هویت ملی ایران با شاهنامه و فردوسی گره خورده است، مردم - بویژه در لس آنجلس - سخت به تکاپو افتاده اند و حتی کار به شاخ و شانه کشیدن هم کشیده است!"

به تعبیری دیگر آن روز (سال ۵۶) نیروهای طرفدار سلطنت در آمریکا متمرکز نبودند بلکه در ایران بودند. در ایران هم آن زمان اوضاع به گونه ای بود که بهتر می دیدند به مسایل بزرگ تری که آن زمان دست به گریانش بودند پردازند و همانا از تنبیه آقای شاملو به خاطر توهمین به "هویت ملی" صرف نظر کنند. اما امروز (بویژه در لس آنجلس) نیروی قابل محاسبه اند و می توانند و باید که خودی نشان دهند. پس امروز اگر نمی توانند مثل آن زمان که در قدرت بودند حساب هنرمندانی را که در آثارشان عقاید مخالف سلطنت ابراز می کنند کف دستشان بگذارند، امروز اگر شرایط برایشان آنگونه مهیا نیست که شاملو را بگیرند و به بند کشند، موقتاً برایش "شاخ و شانه" می کشند و به تخطئه و ترور شخصیت هنری او می پردازند.

به جای منطقی

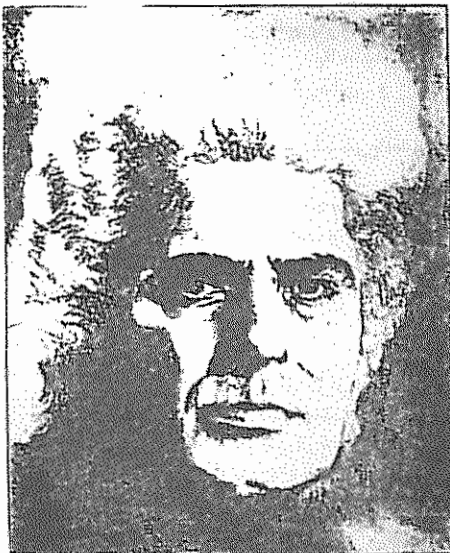
بر اساس گزارش مزبور، پرویز قاضی سعید در مقاله ای در روزنامه صبح ایران - لس آنجلس در باره شاملو چنین می نویسد:

"یک مهر بی زحمت و تلاش برای امرار معاش، با باده و بنگ به سر آوردن، هلی آقا در بیان اطلاعات راحم شاعر می کند..."

پس از "شاخ و شانه کشیدن" برای شاملو به جای استدلال در برابر نظرات مستدل او، شیوه های ناسالم برخورد، به شکل های گوناگون ادامه می یابد.

آقای نوید بوستانی طنزنویس "یادداشت های هفته" کیهان چاپ لندن، در شماره ۲۹۹ این هفته نامه پس از اشاره به "هامیانه" صحبت کردن شاملو، می گوشت تا موضع فکری او را هم طراز با پاسداران جمهوری اسلامی جلوه دهد و به طور تلویحی این شبهه را ایجاد کند که شاملو با رژیم همکاری هایی دارد:

"اولا که آقایان رضایی و رفیق دوست و شمخانی مدتهاست دیگر نه پایشان را به چاله میدان گذاشته اند، نه نسق گرفته اند، نه قاتو کشیده اند و نه برای حفظ رنگ مردمی و هامیانه مملکت، به لجه چار و اداری صحبت کرده اند. آنها دیگر آدم شده اند و حرف های قلمبه سلمبه می زنند و پاسداری از فرهنگ دروازه دولا ب و سر قبر آقا بر همده امثال برادر احمد شاملو قرار گرفته است."



طنزنویس کیهان لندن برای اینکه هم فرض ارادت به خاندان سلطنت کرده باشد و هم حساب شاملو را کف دستش بگذارد اینگونه به طنز ادامه می دهد:

"ثانیاً هر پرت و پلا... که ایشان در دانشگاه برکلی گفته اند تصویر رژیم سابق است. این آقای شاملو بیچاره یک مهری گوشه خانه اش نشسته بود و هرق و ماست و خیارش را می خورد (خدا شاهد است یکی از رفقای خودش می گفت اگر هرق کشمش گیرش نیاید، الکل صنعتی هم می خورد و خم به ابرو نمی آورد) و خیلی هم اشعار آبدار می گفت. بعد یک روز که سرش خیلی درد گرفته بود و می خواست کتاب هایش را بفروشد تا خرج ویزیت دکترش تامین شود، شهبانو فرح دستور دادند او را بردند دکتر، و وقتی معلوم شد تو کی که اش یک "تومور" به اندازه پرتقال در آمده فوراً فرستادندش آمریکا که برود به خرج ایشان کله اش را همل جراحی کند... حالا جراح... چه بلایی به سرش آورد که شاعر بزرگ یکدفعه کمونیست و طرفدار ضحاک شد و شروع کرد به فحش خواهر و مادر دادن به هر چه کورش و داریوش و فردوسی و کاوه آهنگر و فریدون و وارثان آنها معلوم نیست..."

نمونه های دیگر

آقای هلی کمالوند در مقاله ای تحت عنوان "کلک زن" کیست؟ شاملو را به "تخطئه تاریخ ملت ایران" متهم می کند:

"مسئله پادشاهی و پادشاهان گذشته را که با تاریخ دوهزار و پانصد ساله ایران آمیخته شده است تخطئه کردن، در واقع یک جور تخطئه تاریخ ملت ایران است..."

مقاله یاد شده در حالی که از نظر شاملو درباره ضحاک و فریدون و جمشید در شاهنامه فردوسی سخت برآشفته است، او را "سنگ بدگوهر" می خطاب می کند که "کاسه زرین می شکند"

مخالفت از این دست با احمد شاملو، فقهیه بعد از سخنرانی او محدود نمی شود. بی احترامی به او در هنگام شعر خوانی اش نیز جریان داشته است:

"در شب شعر شاملو نیز فقط گاهی افرادی با یک شعار کوتاه یا مملکت آهسته، چیزی می گفتند. مثلاً زمانی که شاعر در شعر "نامه" هبارتی را می خواند که "هرگز سایه دستم برای توبه بر کافند نخواهد افتاد" از ته سالن یک نفر گفت "پس چطور بیرون آمدی؟" و با وقتی در مورد همل مغزش شعرش را قرائت می کرد کسی فریاد زد: "جلوی چشمش را بگیره" و اشاره به این امر که گویا مخارج جراحی شده مغزی شاملو را که در آمریکا همل کرده بود، فرح پهلوی پرداخته است. یک نفر در میان سروصدای بقیه در صفحه ۷

گزارشی از تولیدی های بافنده سوزنی



ترافیک سنگین تهران و حق تقدم همیشگی هابران پیاده

کار تولیدی و رشکست نشوند و به گونه ای دیگر کسب درآمد کنند. معمولاً اگر سرمایه در گردش زیاد باشد بافت شدید بازار و ارزانی محصول تولید شده، صاحب کار و رشکست می شود. اما تولیدکنندگان کوچک سرمایه در گردش قابل ملاحظه ای نداشتند.

اینگونه تولیدی ها معمولاً حداکثر معادل ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان پارچه دارند. چرخ و لوازم مال خودشان است، حتی اگر تمام پارچه را هم نسبه خریدار باشند و تولید هم به صرفشان نباشد آن را به حداقل ۵۰۰ هزار تومان می فروشند، چرا که از سال ۵۸ تاکنون هیچ کالایی نه تنها دچار افت قیمت نشده، بلکه افزایش سرسام آوری داشته است. در نتیجه به جز موارد استثنایی در این بخش از صنعت شاهد و رشکستی نبوده ایم. نکته مهم این است که تولید هم را که می شود اما تولیدکننده تنها به خاطر آنکه دیگر تولیدکننده نیست، دچار و رشکستی نمی شود. این تولیدکنندگان از تولید دست می کشند اما تنها در صورت احتیاج مالی شدید دستگاههایشان را می فروشند. اما بهر حال بیکار می شوند و در انتظار رونق بازار می نشینند. هدهای هم در صنعت خود دلالی را آغاز می کنند.

شک نیست که حساب حاشیه نشین ها جدا است، آنها معلوم نیست به چه کاری روی آورند. هدهای در همین صنف به کارگری ادامه می دهند. (اگر سعادت پیدا کردن کار را داشته باشند) هدهای به مسافر کشی می پردازند، هدهای به دلالی های گوناگون و نظایر اینها روی می آورند. با رکود بازار صنف سوزنی، خیل عظیمی از کارگران این صنف اخراج شدند. کارگاههای بزرگ و متوسط خیلی سریع کارگران را اخراج کردند. در تهران، بسیاری از این کارگران بیکار شده را می بینی که جلو سینما اروپا، در جمهوری، جلو پاساژ شانزلیزه (سمراه جمهوری)، جلو سینما متروپل در لاله زار و... ایستاده اند و در جستجوی کارند. اینها اغلب کارگران دوزنده، بافنده، گلدوز، زیگزاگ دوز و... هستند که بیکار شده اند. کارگران قدیمی و استادکار هم تنها در صورتی در کارگاهها باقی می ماندند و بیکار نمی شوند که به پائین آمدن سطح حقشان رضایت بدهند. تعداد این دست کارگران هم کم است.

در حالی که برخی از کارگاههای "بافنده سوزنی" نظیر کارگاه ثابت (با ۱۵۰۰ متر مربع وسعت کارگاه و چندین دستگاه بافندگی گران قیمت)، کارگاه محمودی با نزدیک به ۱۰ میلیون تومان چنین انبار شده و به دستگاههای تولیدی گرانها) به مرز و رشکستی کامل کشانده شده اند، تکلیف کارگاههای کوچک و تولیدکنندگان "حاشیه نشین" و کارگران آنها کاملاً روشن است.

ورشکستگی اقتصادی جمهوری اسلامی آنگاه معنی و مفهومی مشخص می یابد که روند متوقف شدن تولید در بخشهای مختلف تولیدی در ایران مورد بررسی قرار گیرد. این روند تنها به مراکز بزرگ تولیدی و کارخانه های بزرگ منحصر نیست، بلکه گریبانگیر واحدهای تولیدی متوسط و کوچک نیز شده است. مشخص ترین پی آمد چنین روندی افزایش نرخ بیکاری آشکار و پنهان در کشور است. آنچه در زیر می خوانید گزارش می است که یکی از رفقای ما از ایران فرستاده است. در این گزارش روند و رشکستی و تعطیل در کارگاه های "صنف بافنده سوزنی" مورد بررسی قرار گرفته است.

پیش از آغاز گزارش بهتر است توضیحی در باره صنف بافنده سوزنی داده شود: این صنف مجموعه ای به هم پیوسته از ده ها هزار واحد تولیدی را تشکیل می دهد که به لحاظ دستگاههایی که در آنها به کار گرفته می شوند به سه دسته قابل تقسیمند.

۱ - گردباف: دستگاههای پیشرفته ای که گران ترین محصولات بافندگی نظیر پارچه های نازک زیر پیرامنی، پارچه های پلاستیکی و مواد دار (توریرا)، پارچه های گرمکن و انواع پولیستر پنبه ها را تولید می کنند.

۲ - ماشین های صنعتی که هم تریکو می بافند و هم کشفانی می کنند.

۳ - ماشین های دستی قدیمی تر که برقی شده اند. قدرت تولید این دستگاهها کم است، و امکان تولید مدل های مختلف با نقشه های گوناگون را ندارند. از این دستگاهها معمولاً برای تولید "خرچ" یا یقه های مختلف لباس استفاده می شود.

... از سال ۵۷ تا ۶۴ اوج رونق بازار صنف بافنده سوزنی بود. تمامی رشته های این صنف بطور مرتب و در اکثر موارد ۴۳ ساعته کار می کردند و باین همه تولیدشان برای بازار کفاف نمی داد. در اغلب موارد، هنوز پارچه برش نخورده بود و حتی خریداری نشده بود که بنگدار و واسطه پول کار تولید شده را به تولید کننده می داد و یا اصلاً کار را پیش خرید می کرد. بدین ترتیب سود بسیار سرشاری نصیب تولید کننده های می شد.

به دلیل رونق بازار کار این صنف، در این سالها هدهای نیز که در این کار سابقه و مهارتی هم نداشتند جذب این کار شدند. به سبب بالا رفتن شدید قیمت مغازه و اجاره آن این هده تازه دارد هموا در افسریه، خانی آباد، ولی عصر، جاده ساوه و... مستقر شدند. این افراد و صاحبان مغازه های جدید، پارچه را از بازار آزاد می خریدند، کار را تولید و به بازار سرایز می کردند. همه تولیداتشان هم فروش می رفت. برخی از آنها توانستند "دفترچه موقت" از اتحادیه دریافت کنند که مقداری سهمیه نخ، پارچه، تعدادی قیچی برقی، چرخ زیگزاگ دوزی و... هم دریافت کردند.

از سال ۶۴ که پروسه رکود بازار این صنف هم شروع شد، بطور طبیعی در درجه نخست، همین تولیدکنندگان جدید یا "حاشیه نشین" دچار بحران شدند. با گران شدن پارچه و کاهش قدرت خرید مردم و افت شدید بازار، آنها یکی پس از دیگری کنار زده شدند. اما تولید کنندگان اصلی به علت شناخته شده بودن، حضور در مراکز تولیدی با سابقه، آشنایی با بنگدارها و هموا همویت در اتحادیه، در این سال توانستند هموا به کار ادامه دهند. حتی از کنار رفتن حاشیه نشین ها خوشحال هم بودند.

تولیدکنندگان صنف بافنده سوزنی در سال ۶۴ بدون توجه به رکود بازار و باین تصور که بحران تنها گریبان "حاشیه نشین" ها را گرفته، با همان شدت سال ۶۳ و ۶۴ به تولید ادامه دادند. اجناس تولیدی فروش نکرد و روی دستشان ماند. بحران تولید را اینها نیز درک کردند. کارگاهها از تولید کاستند، تعداد زیادی از کارگران، بدین ترتیب از کار اخراج شدند. در سال ۶۵ روند رکود این صنف شدت گرفت. در چنین شرایطی معمولاً تولید کنندگان بزرگ به خاطر ارتباطات گسترده و همچنین به خاطر آنکه هموا در اتحادیه نفوذ دارند هموا تولید را ادامه می دهند اما تولیدکنندگان کوچک ترجیح می دهند "پارچه ها را قیچی نکنند" تا دوباره از وضع بازار مطمئن شوند. این ها به کار "مزدی" روی می آورند. کار را از تولیدکننده بزرگ می گیرند و در ازای مزد برایش تولید می کنند. هرگاه کار "مزدی" در بازار خواستار داشته باشد، می توان نتیجه گرفت که اوضاع آینده نامطمئن است و تولیدکننده کوچک ترجیح می دهد سرمایه اش را به خطر نیندازد.

از سال ۶۶ به بعد، به جرئت میتوان گفت که تقریباً همه "حاشیه نشین ها" ی تولیدی برپیده شدند و کارگران هم که در این کار دیگری رفتند. تولید کنندگان کوچک (با یک تا ۴ کارگر) هم تعطیل کردند. این گروه به سبب آنکه در سال های ۵۸ تا ۶۴ درآمد خوبی داشتند توانستند علیرغم تعطیلی

اظهار نظر صد ...

پتیه از صفحه ۷

سیاسی موجود در شوروی تردید است که آن کشور بتواند کمک های اساسی به ایران بنماید. علاوه بر آن به نظر نمی رسد مسکو در وضعی باشد که بتواند احتیاجات ایران را برآورده سازد. سفر رفسنجانی در ۱۹۸۹ به شوروی نه باعث تحویل اسلحه مورد نیاز ایران گردید و نه سبب فشار مسکو به عراق در جهت تن دادن به مذاکرات صلح با ایران شد. در حالی که ظرفیت و قدرت نظامی عراق به حدی افزایش یافته که برای ایران به منزله زنگ خطر به شمار می رود، ایران به هیچ وجه قادر نیست در این زمینه با عراق رقابت نماید.

موازنه قوای نظامی بین ایران و عراق و نیز توازن قوا در خلیج فارس کاملاً به سود عراق به هم خورده است باین وضع: اولاً نیروهای نظامی و دو کشور در یک مدار که موقتی نابایدار در برابر هم قرار گرفته اند.

دوم - عراق که یک قدرت مهم

شیمیایی به شمار می رود، به سرعت بی سابقه در جهت اتمی شدن گام بر میدارد. سوم - موفقیت عراق از لحاظ تولید و توسعه موشک برای پرتاب قمر مصنوعی به فضا نشانگر این است که این کشور مصمم است در جهت افزایش قدرت موشکی با استیک میان برد پیش از پیش بکوشد. ایران که خود در این مرحله سقوط اقتصادی قرار گرفته، هنوز قادر نیست راه حل قابل قبولی برای پایان دادن به اختلافات با عراق بیابد.

ایرانی ها دیر یا زود رژیم رفسنجانی را برکنار خواهند کرد. امید است مبارزه نخست از طریق انتخابات عمومی و واقعی صورت گیرد. تا امروز یک چهره جذاب در آسمان سیاست ایران، پدیدار نشده است که مبارزات ملت ایران را در جهت نیل به دموکراسی هدایت کند و روابط ایران را با ابر قدرت ها تنظیم و به حال موازنه درآورد ولی چنین رهبری بدون تردید ظاهر خواهد شد.

اظهار نظر صد ...

پتیه از صفحه ۴

در جریان انقلاب کارکنان این روزنامه خود مستقیماً اداره آن را در دست گرفته و با تشکیل شورای تحریریه و عزل سردبیران قبلی آن، خودآیندگان را منتشر کردند. در این دوران آقای فیروز گوران به همراه آقایان محرابی، جلالی و... این شورا را تشکیل می دادند.

بخاطر اینکه اکثریت کارکنان و اعضاء تحریریه این نشریه از نیروهای چپ و دمکرات تشکیل می شد، در اوایل انقلاب، آیندگان ۱۸۰ درجه تغییر کرد و به عنوان سخنگوی نیروهای چپ و دمکرات ایران شناخته شد و بالاخص در ماه های پس از انقلاب مواضع این روزنامه در انتقاد از مسئولین جمهوری اسلامی و انتشار مواضع جریان های دمکرات کشور حساسیت رژیم را برانگیخت. در این دوران آیندگان به پر تیراژترین روزنامه کشور تبدیل شد. تا جائیکه رژیم نتوانست آن را تحمل کند و با موضعگیری مستقیم خمینی دفتر آن اشغال گردید.

ولی همگی در رفتند. مردم می گفتند که این پاسدار خبر نداشت که باید از اینجا حمایت کند یا کاری به کارشان نداشته باشد.

خبری از هامبورگ. آلمان فدرال

به تاریخ ۲۴ آوریل آقای هوشنگ گلشیری در سالی در این شهر یکی از قصه های خود را از کتاب پنج گنج باز خوانی کرد و بعد به پرسش حضار پاسخ داد. سؤالات متفاوتی در مورد هنر نویسندگی و وظیفه نویسنده طرح شد و گلشیری پاسخ داد.

به تاریخ ۲۵ آوریل آقای محمود دولت آبادی نیز قسمتی از یک قصه را از مجموعه روزگار سپری شده مردم سالخورده باز خوانی کرد و بعد به پرسش حضار پاسخ گفت. نکته آموزنده و در همین حال زشت در هنگام پرسش و پاسخ آن بود که گروهی که در هامبورگ هستند و هنری جز به افشاش کشیدن تمام مجامع ندارند و سال پیش هم در کنسرتی که شجریان داشت مسخره بازی در آورده بودند، سؤالات بی ربطی را مطرح می کردند. و حتی دولت آبادی را نیز مزبور رژیم خواندند.

جالب است بدانید که این گروه به منزانشینان معروف هستند و ادعای پیامبری هم دارند. بویژه مضمک آن است که یکی از این آقایان که سعی زیادی دارد او را با مارکس اشتباه بگیرند و ریش خود را هم به شکل مارکس در آورده است، قمش دهنده اصلی است.

اما در مجموع ایرانیانی که در این قصه خوانی شرکت کرده بودند، از این جلسات کمال استفاده را کردند.

دفتر ایشان، به مانند یک وزیر قدرت نهایی می کرد. در باتاق این آقا قطعه روی اعضای انجمن اسلامی بازبود.

در بهمن ماه ۶۸ از طرف آقای بانکی، آقای احمدزاده به ریاست این سازمان منصوب می شود و آقای الماسی که مدت ۸ سال به طور ماموریت در این سازمان بود به اداره قبلی خود (گویا ذوب آهن) برگردانده می شود.

بعد از روی کار آمدن احمدزاده، پرسنل "سازمان" گویا روحی تازه در کالبدشان دمیده شده بود به گفته ناقل این خبر، گویی نوروز بود و بشاشت در چهره اکثر کارکنان هویدا بود. فقط ۲۵ نفری که انجمن اسلامی بودند پیکر بودند.

با آمدن رئیس جدید انجمن اسلامی تلاش می کنند تا موقعیت گذشته را در یابند. از جمله روزی یک هریشه بالابند تهیه می کنند و در یک سمپوزیوم به وزیر معادن و فلزات تحویل می دهد. وزیر نامه را به بانکی، او هم نامه را به احمدزاده می دهد. این نوع کار یعنی حمایت هلنی از احمدزاده و ارجاع شکایت نامه، به خود احمدزاده، بیشتر انجمن اسلامی را زیر فشار قرار می دهد.

آنچه که در "سازمان زمین شناسی" بوجود آمده، فعالیت بیشتر پرسنل در جهت کارائی هرچه بیشتر آن است.

از جریان اعتراضات مردم تهران در رابطه با مسابقات ورزشی به بعد گروهی قهقهه کش و چاقوکش که این گروه متفاوت با چاقوکارها هستند به مغازه ها حمله می کنند. بویژه مغازه هایی که لوکس فروش هستند. آنها با شعارهای مرگ بر لیبرال و قهر این کار زشت را انجام می دهند و کسی هم بطور رسمی جلوگیری آنها نشده است.

اینان هنگامیکه به مغازه لوکس فروشی در میدان انقلاب و جنب سینما کاپری حمله کردند و با ساطور و قهقهه شیشه ها را شکستند، یاسداری با آنها درگیر شد

اظهار نظر صد نفر از ژنرال های آمریکا

در رابطه با اوضاع ایران

مشکلات ایران قادر به مقابله نمی باشد و راه حلی برای آنها ندارد. این تحولات اسباب نگرانی شدید استراتژیست ها و طراحان نظامی آمریکا را فراهم کرده است. امید آنان و انتظارشان این بود که ایران بعد از خمینی، ثبات پیدا کند و جانشینان آیت الله در صدد تغییر رویه و تجدید روابط با آمریکا و ملل غربی که قادر خواهند بود به ایران کمک های فنی و اقتصادی برای بازسازی بنمایند، برآیند و کشور ثبات یابد.

به علاوه نظر این طراحان چنین بود که ایران روابط خود را با کشورهای غربی در خاورمیانه ترمیم سازد و قصد خود را مبنی بر برقراری توازن قوا در منطقه ابراز دارد.

.....
اساس کلیه امیدها بر روی بالا گرفتن کار ملی اکبر رفسنجانی پس از مرگ خمینی در سال ۱۹۸۹ بود. طراحان غربی تصور می کردند رفسنجانی ظرفیت، اراده و قدرت لازم را برای تغییر جهت سیاست خارجی ایران خواهد داشت و حرارت انقلابی ایران و ایدئولوژی مذهبی خمینی را در صحنه بین المللی تعدیل خواهد کرد. ارتقاء

رفسنجانی به ریاست جمهوری این باور را تقویت کرده که اگر وی تایید طبقه ملایان حاکم را نرفته باشد، لاقط موافقت آنها را در مورد اهمیت استراتژی دوگانه (تغییر رویه سیاست خارجی و کاهش حرارت انقلابی) جلب کرده است. این امید واهی، و این انتظار بی پایه از آب درآمد. برعکس به نظر می رسد رفسنجانی درگیر بندبازی است و سعی می کند توازن خود را حفظ کند ولی شانس سقوط او هر روز که می گذرد، بیشتر میشود. ملایان تندرو در ابتدا رویه سیاسی رفسنجانی را پذیرفتند با این فرض که تجدید روابط با غرب برای آنها نفع مادی به بار خواهد آورد ولی در همین حال مراقب اعمال رفسنجانی بوده و او را تحت کنترل داشتند تا مطمئن گردند که وی نسبت به اساس ایدئولوژی خمینی وفادار است. البته این یک توافق موقتی و یا ازدواج مصلحتی بود که بتواند به موقع از طرف ملایان فسخ گردد.

.....
علاوه بر مشکلات مذکور در فوق، ادامه انزوای رژیم، عدم دسترسی به منابع مالی و فنی که مورد نیاز مبرم جهت بازسازی اقتصادی است، نیز مزید بر هلت است. توافق اخیر اقتصادی پر سرو صدای ایران با اتحاد شوروی برای جلب کمک های اقتصادی بیشتر جنبه ظاهری داشت تا واقعی. نظر به بحران اقتصادی و بقیه در صحنه

اخیرا یک صد ژنرال آمریکایی عضو شورای امنیت بین المللی این کشور با صدور اعلامیه ای نظرات خود را نسبت به اوضاع ایران و اهمیت آن اعلام کردند. در میان این ژنرال ها اسامی افرادی مانند الکساندر هیگ، ژنرال کلی بهشم می خورد، برای اطلاع خوانندگان از مواضع نظامیان آمریکایی بخش هایی از این اعلامیه که در کیهان چاپ لندن انتشار یافته درج می گردد:

«اهمیت استراتژیکی ایران را در این قرن، جغرافی و افزایش نیاز دنیای صنعتی به نفت و دسترسی مطمئن به منابع نفت خلیج فارس تایید و تصریح کرده است.

ادراک ژئوپولیتیکی قدرت های بزرگ این است که هیچ قدرت واحدی نباید بر قسمت اعظم مناطق اوراسیای EURASIAN LANDMASS که از لحاظ دریایی محصور از تعرض و از لحاظ اقتصادی خودکفا است، تسلط پیدا کند. کنترل این قسمت از کره زمین که جنبه مرکزیت و محوری دارد، سبب بر هم زدن توازن قوای جهانی خواهد شد.

از لحاظ حفظ توازن قوای جهانی ایران واجد اهمیت زیادی است. ایران ضمن داشتن ذخایر نفت همواره با به صورت سد یا دالان بین آسیا - اروپا و آب های گرم و راه اقیانوس آرام قرار گرفته است.

.....
رژیم خمینی اکنون جزو تاریخ است ولی تمهیدات اساسی علیه ایالات متحده و امنیت غرب پایان نپذیرفته است. مناقشات نژادی و فرهنگی مرزهای شوروی را در بر گرفته که شامل تاحیه آذربایجان ایران نیز می گردد. انزوای سیاسی ایران از غرب، کوتاهی و قفل تهران از اینکه تاکنون نتوانسته است یک برنامه صحیح و مطمئن برای بازسازی اقتصاد جنگ زده ایران تنظیم کند و به ایران آزادی و ثبات بخشد از جمله مسائل ایران است.

هراق رقیب اصلی ایران، اقدامات وسیع و موفقیت آمیزی برای تقویت قدرت نظامی خود به هم آورده است. رژیم بعد از خمینی در یک وضع نه صلح و نه جنگ قرار گرفته و با هیچ یک از

نظر عمومی در اتحاد شوروی درباره حزب کمونیست این کشور

در فوریه ۱۹۹۰ مرکز پژوهش ها و تحقیقات شوروی برای روشن شدن نظر مردم در مورد نقش حزب کمونیست اتحاد شوروی و موقعیت درونی آن اقدام به یک نظرخواهی کرد. در این نظرخواهی ۲۵۰۰ نفر از تمام مناطق کشور بعنوان نمونه مورد سوال قرار گرفتند.

نفوذ و اعتبار حزب:

۸۵/۷ درصد از کسانی که مورد سوال قرار گرفتند، به پایین آمدن اعتبار و نفوذ حزب اشاره کردند. اعتقاد به حزب افزایش می یابد. در حالی که تعداد افرادی که از هر جهت به حزب اعتقاد دارند، در طول سال تقریباً بدون تغییر باقی مانده است (۲۷ - ۲۱ درصد) رقم آثانی که اعتقاد کامل به حزب را رد می کنند از ۲۳ درصد در ماه می سال ۱۹۸۹ به ۳۵ درصد رسیده است و این رقم منطقی افزایش می یابد.

وضع درونی حزب:

اظهار نظر درباره وضع درونی حزب همیقا انتقادی تر شده است. ۴۰ درصد بر این عقیده اند که در حزب یک انشعاب رشد می کند اما ۳۴ درصد حامل این نظرند که حزب در موقعیت فروپاشی است.

نقش حزب بر رویدادهای جامعه:

تقریباً نیمی از افراد معتقدند که حزب قدرت همی خود را از دست داده است و تاثیر قابل توجهی روی رویدادهای جامعه نمی گذارد.

برنامه و توانائی های سیاسی حزب:

نه تنها توانائی های سیاسی حزب بلکه اهداف و اصول هدایت کننده هم ایدئولوژیکی نیز مورد شک و تردید قرار گرفته اند. ۵۱ درصد سوال شوندگان معتقدند که در حزب اهداف تعیین شده برنامه های یا فیر قابل دسترسی هستند یا اثر امروزی خود را از دست داده اند یا اینکه با پراتیک حزب مطابقت ندارند.

گذشته حزب:

بیش از ۶۰ درصد از سوال شوندگان در این نکته هماهنگی نظر دارند که حزب کشور را تماماً و یا در بعضی وجوه در یک راه اشتباه هدایت می کرد. تقریباً ۹۰ درصد بر این نکته اتفاق نظر دارند که اشتباهات حزب جلوی رشد اتحاد جماهیر شوروی را می گرفتند.

مسئولیت رهبری و اعضای حزب:

مسئولیت رهبری و اعضای ساده حزب بوسیله افکار عمومی به طرق گوناگون مورد ارزیابی قرار می گیرد. بیش از ۷۵ درصد مردم رهبری حزب را در بحران بوجود آمده مسئول می شمارند. ۳۷ درصد رهبران قبل را و ۲۹ درصد رهبران کنونی را - ۱۷/۴ درصد اعتقاد دارند که در رابطه با مشکلات امروزی مجموعه حزب (رهبران و اعضای ساده) گناه را بر گردن دارند.

سرچشمه بحران:

۱۰/۹ درصد این نظر را نمایندگی می کنند که سرچشمه بنیست های کنونی را باید در ایدئولوژی های سوسیالیسم (مارکس - انگلس - لنین و...) جستجو کرد.

اتوریته حزب:

حافظه اجتماعی نقش و اعتبار حزب را تقریباً فقط به دوره هائی ربط می دهد که دور آنها را هاله مقدس

* * *

از همه آنچه که آمد نتیجه تلخی بدست می آید. این نتیجه گرچه تلخ است اما واقعیت است و باید بر آن تاکید شود که نحوه برخورد سلطنت طلبانی که از احیای نظام سلطنتی ۲۵۰۰ ساله دفاع می کنند با شاملو که نظراتی مغایر خواست آنان به میان کشیده است، معیاری بدست می دهد که این آقایان تا چه اندازه با دمکراسی بیگانه اند و تا چه اندازه در تحمل عقاید و آرای مخالف ناتوان هستند. تاسف انگیز است که منتقدان به جای بحث مستدل با شاملو و نقد مدلل ایده های او، خود او را با طرح مسائلی نظیر این که او پیر شده، آسیب دیده، در تصادف معیوب شده و غیره، مورد حمله قرار دادند و سعی کردند که با ترور شخصیت او ایده های او را از سر راه بردارند. اما همه تاریخ بشر گواهی می دهد که با این گونه اقدامات نمی توان ایده ها را نابود کرد. برخورد این آقایان با شاملو نشانگر آن است که آنها این در س جدی تاریخ را نیاموختند.

در وای گفتار و رفتار این آقایان باید بر حقیقتی بزرگتر انگشت گذاشت که جان مایه این گونه رفتار و گفتار است. این حقیقت که در ایران - نه الزاماً در همه جا - سلطنت با دمکراسی در یک جانی گنجد و در تضاد با یکدیگرند. این تضاد همان منبع و مولد تنش جدی است که در این اواخر صفوف سلطنت طلبان را از هم جدا می کند.

قهرمان گرائی های دولتی فرا گرفته است. ۶۲ درصد باین تز موافق هستند که کشور مابدون حزب به قدرت جهانی تبدیل نمی شد. از نظر افکار عمومی نقطه اوج اتوریته حزب از همه بیشتر در دوره انقلاب و جنگ داخلی (۳۹ درصد) و جنگ جهانی دوم و متعاقب آن (۲۵ درصد) بوده است. بندرت از نقش حزب در زمان اولین برنامه پنج ساله (۱۸ درصد) و قبل از انقلاب (اکتبر) (۱۳ درصد) نیز یاد می شود. تعداد بسیار کمی بین ۲ تا ۴ درصد معتقدند که حزب در دوره نپ، دوره خروشچف، دوره رکود و پروستریکا بیشترین اتوریته را داشته است. بدین ترتیب هر چه تجربیات توده ها به دوره کنونی نزدیک می شوند، اتوریته حزب کمتر به حساب آورده می شود.

ارگان های حزبی:

برخورد افکار عمومی به ارگان های حزبی تعجب آور نیست: ۷۶/۳ درصد اعتقاد دارند، که مسئولین و سازمان های حزبی در کارخانه ها و موسسات به طور اساسی از سیستم مدیریت دفاع می کنند و آنها پلی هستند برای به اجرا در آوردن تصمیمات ارگان های رهبری بالاتر. فقط ۵/۸ درصد این نظر را دارند که ارگان های حزبی منعکس کننده نظرات و اراده اعضای ساده حزب هستند. عضویت در حزب البته اغلب به عنوان نردبان ترقی دیده می شود. - کمونیست ها امکانات بیشتری دارند تا پست های مهم را به چنگ بیاورند. (۳۳ درصد)

انحلال حزب:

در مقابل این سوال که حزب باید منحل شود یا نه، فقط ۲ درصد با آن موافقت دارند. نزدیک به ۵۲ درصد مخالف انحلال حزب هستند. ۲۰ درصد سوال شوندگان اعتقاد دارند که حزب هنوز یک نیروی واقعی متحد کننده جامعه است.

موجودیت حزب در تولید و مدیریت:

نظرات، درباره اینکه ساختمان حزب در تولید و مدیریت باقی بماند یا نه، از هم کاملاً جدا می شوند. ۴۲ درصد اعتقاد دارند که سازمان های حزب فیر ضروری هستند و باید کنار زده شوند. در حالی که ۳۸/۴ درصد معتقدند، که آنها می توانند باقی بمانند، مشروط بر اینکه کار حزبی دگرگون شود. نسبت کمی (۲۰ درصد) اعتقاد دارند که حزب می بایست در زندگی عمومی دخالت کمتری کند.

اعتقاد به حزب:

۱۲/۳ درصد معتقدند که اعتقاد به حزب دیگر قابل برگشت نیست. برای محکم کردن اعتقاد مردم به حزب ۳۷ درصد مسئله را با این ضرورت مربوط می کنند که حزب خود را پاکسازی کند و کنگره ها و پلنوم ها کاملاً باز تشکیل شوند. ۲۲ درصد مسئله را با ارائه و به معرض دید گذاشتن آرشیوهای حزب وابسته می دانند.

دروس اجباری حزبی در محیطهای آموزشی:

۲۵ درصد قبول دارند که دروس مربوط به حزب در دانشگاه ها باید مثل گذشته اجباری باشند. اکثریت ۵۵/۶ درصد اعلام می دارند که شرکت در این برنامه ها باید آزادانه باشد.

نمایندگان کمونیست پارلمان:

نظر مردم درباره نمایندگان کمونیست پارلمان جالب است. آن ها اعتقاد دارند که این نمایندگان در درجه اول نه به ارگان های حزبی، بلکه در مقابل انتخاب کنندگان (۵۸/۴) یا به وجدان خود آگاه به وظیفه خود به عنوان یک عضو جامعه (۵۳ درصد) مسئول و جوابگو هستند.

رقم کسانی که به انجام بدون قید و شرط تصمیمات حزبی بوسیله نمایندگان پارلمان پافشاری می کنند، زیاد نیست. (۸/۸ درصد) افکار عمومی، افرادی را که به نام حزب صحبت می کنند، بدقت دنبال می کنند.

اعتقاد به شخصیت های حزبی:

در میان اعضای رهبری حزب بیشترین اعتقاد به گورباچف (۵۴ درصد)، ریشک (۳۸ درصد)، یلتسین و شواردنازه (۱۲ درصد) است. اکثر نظرات منفی نسبت به شخصیت ها عبارتند از: لیگاجف (۳۰ درصد)، یلتسین (۱۱ درصد)، گارباچف (۹ درصد)

تهیه کنندگان مقاله: پوری اواد، لئونید گورکف
نشریه ۱۶ اخبار مسکو - شماره ۵ سال ۱۹۹۰
مترجم بهرام

دموکراسی این آقایان!

بقیه از صحنه ۵

جمعیت و کف زندها چند بار گفت: «مرگ بر شاملو دیوانه...»

اینگونه برخورد با یکی از ارزشمندترین سرمایه های ادبی ایران، اینگونه برخورد با شاعر سالمندی که همه هم خود را وقف خدمت به ادبیات مردمی کرده است، تنها به جرم آنکه چیزی مغایر آنچه آقایان می اندیشند بر زبان آورده است، برخوردی بسیار مشمئز کننده است. این برخورد ها هیچ قربانی با ادعای این آقایان در زمینه آزادی و آزاداندیشی ندارد. اینگونه برخورد، تهدید اندیشه های آزاد است. به بند کشیدن اندیشه است. شاهجه جهود فکری است.

احمد شاملو در بخشی از مصاحبه ای که ایرج گرگین ترتیب داده بود در پاسخ این پرسش که ایده آل شما چیست؟ می گوید:

«من ایده آل نیستم ولی به حرمت انسان عقیده دارم... جامعه باید بیدار شود. رای جامعه بی سواد به ضرر مرن، به ضرر خودش است باید مبارزه فرهنگی صورت بگیرد. اما به خیلی چیزها امیدوار نیستم. سعی می کنم خدمتی کنم و صمیمی باشم. تنها توصیه ای که دارم این است که متعصب نباشیم.

لااقل صمیمیت مردی را که حرفی می گوید، درک کنیم. مثل سگ دهی نباشیم که وقتی بوی فربه و یا صدایی که برای او آشنا نیست می شنود، دیگر محار ندارد و اختیار از کفش را می شود...»

یک نکته مهم

راست این است که منازعه فیرادبیانه سلطنت خواهان با شاملو در تفسیرهای متفاوت از قهرمانان اثر جاودانی و جهانی فردوسی تمرکز یافته است. اینگونه تفاوت تفسیرها در گذشته نیز بوده است. از جمله همان زمان که محمود فزونی فردوسی را مقضوب کرده، شاهنامه را آنگونه که فردوسی می پنداشت، ارزیابی نمی کرد. در آینده نیز این تفاوت در تفسیر باقی خواهد ماند. اما در منازعه کنونی این تفاوت تفسیر نیست که یک بحث ادبی تا حدیک برخورد دشمن و فیرمتمدنانه سلطنت طلبان با شاملو تنزل داده است، بلکه این امر ناشی از مبارزه بر علیه یال احیای سلطنت پهلوی است. واقعیت این است که سلطنت طلبان زیر لوای دفاع از فردوسی، از سلطنت پهلوی و احیای آن دفاع می کنند در حالیکه شاملو با آن مخالف است. این است آن بنیاد سیاسی که بر پایه آن تهاجم شدید سلطنت طلبان صورت می گیرد.

در یازدهمین دوره بازی های آسیایی :

ورزشکاران زن ایرانی فقط در رشته تیراندازی

شرکت خواهند داشت

تیم شای مردان نیز بدلیل مختلط بودن مسابقات شنا، به پکن اعزام نخواهد شد

دوچرخه سواری و تنیس روی میز، در این دوره از بازی های آسیایی شرکت خواهند کرد. در برخی از این رشته ها تیم کامل اعزام نخواهد شد. رئیس کمیته المپیک رژیم آخوندی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که به دلیل مختلط بودن مسابقات مردان و زنان، تیم شنا به پکن اعزام نخواهد شد.

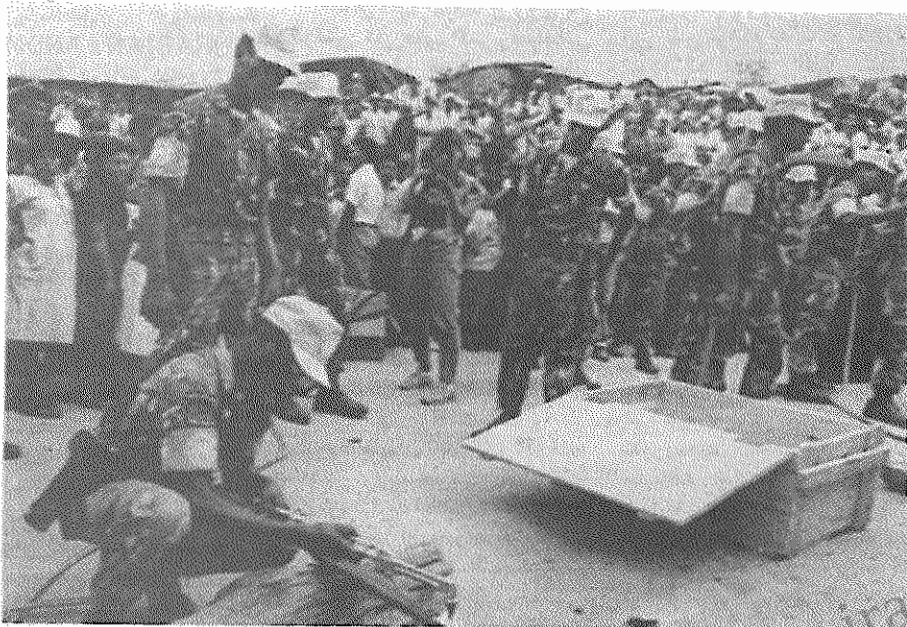
روز اول اردیبهشت رئیس و دبیر کل کمیته المپیک جمهوری اسلامی اعلام کردند در یازدهمین دوره بازی های آسیایی در پکن، ۱۷۰ نفر از ایران شرکت خواهند کرد. این افراد به عنوان ورزشکار و مربی و سرپرست، در رشته های فوتبال، کشتی، ژیمناستیک، تایقوانی، بستیبال، دو میدانی، جودو، شیرجه، واترپلو، تیراندازی، وزنه برداری،

نخستین کنفرانس مطبوعاتی

رئیس جمهور جدید نیکار اگوئه

مطبوعات خود گفت هنگام تحویل گرفتن قدرت توسط دولت جدید، در خزانه بانک مرکزی نیکار اگوئه سه میلیون دلار موجود بوده است. نیکار اگوئه ۱۱ میلیارد دلار به خارج مقروض است. روزنامه باریکادا ارگان جبهه

ویولتاچامورو رئیس جمهور جدید نیکار اگوئه در نخستین کنفرانس مطبوعاتی خود پس از انتخابات شده بود. رئیس جمهور جدید نیکار اگوئه اعلام کرد به زودی با



بخشی از نیروهای "کنتر" در هندوراس

رهبری کنتر برای ترقیب ضدانقلابیون به تحویل سلاح های خود مذاکره خواهد کرد. هنوز هیچ یک از ۱۰ هزار نفر افراد مسلح کنتر، سلاح های خود را به نمایندگان سازمان ملل تحویل نداده اند.

چامورو در کنفرانس

برای اشتراك نريات "كار" و "اكثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، نمربستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشريه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
☐	۱۱ مارک	۲۱	۱۳ مارک
☐	یک ساله	۲۱	۲۴

بهای اشتراك	شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
☐	۲۷ مارک	۵۲	۳۰ مارک
☐	یک ساله	۱۰۲	۵۸
☐			۱۱۵

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT NO. 303 MONDAY 7. May. 1990 آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100AACHEN W. GERMANY	ساب بانکی: AUSTRIA. WIEN BAWAQ (BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT) NR. 02910701.650 DR. GERTRAUD ARTNER با جمع آوری کمک های فداییان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید
---	--

آغاز دوره ریاست جمهوری اش، تایید کرد که او میرتاورتگاوزیر دفاع دولت پیشین فعلاً فرمانده کل ارتش باقی خواهد ماند. چامورو افزود اورتگا تا وقتی سمت خود را حفظ خواهد کرد که رئیس جمهور تشخیص دهد دیگر خدمت وی ضرورتی ندارد. رئیس جمهور جدید نیکار اگوئه گفت اورتگا فرمانده ارتش در دوره خلع سلاح افراد کنتر، در جهت حفظ آرامش و ثبات در ارتش فعالیت خواهد کرد. تصمیم چامورو به ابقای فرمانده ارتش، باعث بروز اختلافات در ائتلاف ۱۴ گانه احزاب حامی چامورو در

جاری انجام بگیرد. پایتخت یمن متحد، صنعا خواهد بود. در ۲۷ ماه مه، برای یمن پارلمان موقت جدیدی تشکیل خواهد شد. *بدناتل چند اکتساب کوتاه در صنایع فلزات آلمان غربی، از جمله کارخانه اتومبیل سازی اوپل، نمایندگان اتحادیه های کارگری و کارفرمایان در مورد قرارداد جمعی جدید به توافق رسیدند. این توافق پیش بینی می کند ساعات کار هفتگی که اینک ۳۷ است، از ۱۹۹۳ به ۳۶ و از ۱۹۹۵ به ۳۵ کاهش یابد. همچنین دستمزد کارگران این رشته از اقتصاد آلمان غربی از ماه آینده ۶ درصد افزایش خواهد یافت. هفته کار ۳۵ ساعته از سالها پیش یک خواست اصلی جنبش کارگری آلمان فدرال بوده است. پیش بینی می شود سایر رشته های صنایع نیز از قرارداد جمعی رشته فلزات تبعیت کنند.

لغو مقررات فوق العاده در افغانستان

گذشته حزب دمکراتیک خلق افغانستان گفت: "ما در درون حزب دمکراسی بعب و تانک داشته ایم، وی افزود در داخل صفوف حزب دمکراسی برقرار خواهد شد. نجم الدین کاویانی، عضو دیگر دفتر سیاسی حزب حاکم افغانستان اظهار داشت کابل آماده است تا قبل از پایان سال جاری مسیحی در افغانستان انتخابات برگزار کند، به شرطی که آمریکا کاندیداتوری نجیب الله رئیس جمهور فعلی را بپذیرد. تحولات در افغانستان در آستانه دیدار سران شوروی و آمریکا در ماه ژوئن صورت می گیرد.

محمدنجیب الله رئیس جمهور افغانستان مقررات فوق العاده را که از آغاز خروج نیروهای شوروی در سال ۱۳۶۷ برقرار شده بود لغو کرد. نجیب الله همچنین یک کمیته ۱۵ نفری را مامور تدارک اجلاس "لویه جرگه" شورای ملی بزرگ نمایندگان مردم افغانستان نمود. قرار است در این اجلاس تغییرات مهمی در قانون اساسی افغانستان داده شود. کمیته ۱۵ نفری منتخب از سوی رئیس جمهور افغانستان، به ریاست عبدالرحمان هاتف معاون نجیب الله خواهد بود که عضو حزب حاکم دمکراتیک خلق نیست. در اجلاس لویه جرگه، ۸ هزار نماینده از مناطق و قبایل مختلف افغانستان شرکت خواهند کرد.

یورش و حشیانه پلیس ترکیه به تظاهرات اول ماه مه

دیمیرل رهبر محافظه کاران در اپوزیسیون ترکیه نیز از ممنوع بودن تظاهرات اول ماه مه انتقاد کرد. وزیر کشور ترکیه اظهار داشت نیروهای امنیتی "با قاطعیت و بطور موثر" علیه میتینگ های "فیرقانونی" وارد عمل شده اند. اردال اینونز، رهبر حزب سوسیال دمکرات مردمی ترکیه گفت در صورت به حکومت رسیدن این حزب، اول ماه مه رسماً روز کارگر خواهد شد.

پلیس ترکیه با یورش و حشیانه ای به تظاهرات اول ماه مه، ۳۳۰۴ تن را دستگیر و ۵۰ نفر را مجروح کرد. یک دانشجو در دختر دانشگاه صنعتی استانبول، در نتیجه ضربات پلیس به ستون فقراتش، برای همیشه دچار فلج خواهد بود. روزنامه های ترکیه با چاپ عکس هایی از وقایع اول ماه مه، ابعاد وحشیگری نیروهای رژیم را نشان داده اند. این عکسها، نظامیان مسلسل به دست، افراد پلیس که با توم های خود را بالا برده اند، مردمی که زیر ضربات باتوم به زمین افتاده اند را نشان می دهد.

شمار دستگیر شدگان کم سابقه است: در سال ۱۹۸۸، مراسم اول ماه مه با ۸۵ دستگیری همراه بود. سال گذشته این رقم به ۵۵۰ تن رسید و اینک از ۳ هزار تجاوز کرده است. رهبر سندیکای کارگران شهرداری استانبول پس از تظاهرات گفت: "البته ما حدس می زدیم که پلیس به تظاهرات حمله خواهد کرد، اما نمی دانستیم که این چنین به خشونت متوسل خواهد شد." این رهبر سندیکایی به هلت دهوت به تظاهرات فیرقانونی تحت تعقیب قرار گرفته است.

اینک صداهاتن از بستگان بازداشت شدگان اول ماه مه روز و شب را در برابر ساختمان مرکزی پلیس استانبول به سر می برند تا از سرنوشت دستگیر شدگان اطلاع یابند. تا پایان هفته گذشته نزدیک به ۱۷۰۰ نفر هنوز در بازداشت بودند. دستگیر شدگان را در مقر



صد هزار نفر از اهالی مسکو اول ماه مه، روز جهانی کارگران را در میدان سرخ مسکو جشن گرفتند. جمعیتی نزدیک به دو هزار نفر نیز به هنگام حضور گارباچف به میامو و اعتراض پردهاختند.

اخبار کوتاه جهان

* در آستانه از سرگیری مذاکرات صلح در السالوادور، انقلابیون این کشور چهارشنبه گذشته عملیات جدیدی را آغاز کردند. نیروهای جبهه رهایی بخش ملی فارابوندو مارتی دست به حملاتی علیه مواضع ارتش در سان سالوادور و چند شهر دیگر زدند. طبق گزارشهای اولیه، دهها تن از دو طرف کشته یا مجروح شدند. جبهه فارابوندو مارتی اعلام کرده است هدف از حمله جدید، اعتراض به نقض حقوق بشر از سوی ارتش است.

* جوزف آنتال، رهبر "مجمع دمکراتیک"، حزب محافظه کاری که در انتخابات مجارستان بیشترین آرا را به دست آورد، از سوی پارلمان این

استخدام در ادارات دولتی محروم خواهد بود. همچنین طبق این قانون انکار جنایات رژیم هیتلری، جریمه نقدی تا ۳۰۰ هزار فرانک و یا محکومیت زندان به دنبال خواهد داشت. لوپن، رهبر فاشیست های فرانسوی طرح جدید را مخالف قانون اساسی خواند و خواهان "مقاومت" در برابر آن شد. در حال حاضر یک دادگاه فرانسه در تدارک محاکمه لوپن به هلت تحریک به نفرت نژادی است. قانون جدید باید به تصویب سنای فرانسه نیز برسد. در سنا اپوزیسیون راست اکثریت دارد. راستگرایان اعلام کرده اند قانون جدید را تصویب نخواهند کرد. *در صنعا پایتخت یمن شمالی اعلام شد یمن جنوبی و یمن شمالی در روز ۲۷ ماه مه وحدت خود را اعلام خواهند کرد. قرار بود وحدت دومین در نوامبر سال